

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۷۰۷۴

۱۷۰۷۴

۲۰۸۲۳۹

۱۷۰۷۴
۲۰۸۲۳۹




کتابخانه مجلس شورای اسلامی		
کتاب	صافی ج ۱ (الاول تا سوم)	
مؤلف	ملاحی فیض	شماره ثبت کتاب
مترجم		۲۰۸۲۳۹
شماره قفسه	۱۷۰۷۴	

عبارت
استظهار
۲۵
مهر
۱۳۵۵

۱۷۰۷۴
۲۰۸۲۳۹

۱۷۰۷۴
۲۰۸۲۳۹



کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 شماره ثبت کتابها ۲۰۸۲۳۹
کتاب	صافی ج ۱ (الاول تا سبعة)	
مؤلف	ملاح حسن نقض	
مترجم		
شماره قفسه	۱۷۰۷۴	

کتابخانه



کتابخانه مجلس شورای اسلامی


کتابخانه
شماره ثبت کتابها
۲۰۸۲۳۹
قفسه
۱۷۰۷۴

فروشنده آقای حسن لور	جلد	تاریخ ۱۳۱۱	شماره
نام کتاب			
صافی ج ۱			
مؤلف از اول تا سون اسراء			
مترجم			
کاتب			
شارح			
تاریخ کتابت	فارسی - عربی	نوع خط	نوع جلد
نوع کاغذ			

تربیات و مشخصات

ملاحظات

۱۲۰ هزار تومان

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتابخانه ۲۰۸۲۶۹
کتاب	صافی ج ۱ (از اول تا سون اسراء)	
مؤلف	ملاح حسن فنضی	
مترجم		
شماره قفسه ۱۷۰۷۴		

۱۷۰۷۴
۲۰۸۲۶۹



حسن لور

عبارت
تاریخ
مترجم
مؤلف
کاتب

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاریخ ۱۳۱۱
شماره
صافی ج ۱
مترجم
کاتب
شارح
تاریخ کتابت
فارسی - عربی
نوع خط
نوع جلد
نوع کاغذ

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

المحرم من الفضل
ما ينسب صح

قال لان حبه ايمان وبغض كفر والحق
غلقت الخيـة لاهل الايمان وغلقت النار
لاهل الكفر فوعلي السلام فسيم النار والخيـة

۴۰

من التفسير والشايد والحمد والبطن
والحد والمطلع والحكم والمقاس
والناسخ والمنسوخ وغير ذلك

فانما كان من ذلك ان يكون له في كل يوم
منه من غير ما كان عليه في اليوم الذي قبله
فانما كان من ذلك ان يكون له في كل يوم
منه من غير ما كان عليه في اليوم الذي قبله

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

2

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

مقام

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

ۛ

فصل الثامن في بيان ما يجب من التوبة والاعمال الصالحة
للمؤمنين في كل حال من الأحوال

[illegible]

[Faint handwritten manuscript page from the Voynich manuscript.]

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or a page from a book. The text is written in a cursive style and appears to be a list or a series of entries, possibly related to a historical or administrative record. The text is written in black ink on a light-colored background.

[illegible]

تبرکات و فضیلت و احادیث و روایات

۱۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[Faint handwritten manuscript text in Arabic script.]

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

فانتم بعد بالقرية والعاشر من العادق انما نزل هذا في قوم من اليهود كانوا على عهد موسى لما لم يقبلوا
الانبياء بايديهم ولا كانوا في زمانهم وانما نزل اولها الذين كانوا من قبلهم فعلمهم الله تعالى وانما نزل اليهم
اولها بما يتبعون وتولوا اولهم قد مضى في ذلك في القصة الثانية ولما جاءهم موسى بالنباتات ثم اخذهم
الحبل الماسين بين يدي من الخلافة الى الحبل وما فعلت عليه الذين مضى عليه وتركوا على موسى وموسى
عليه السلام ما فعلتم ولا اخذوا بشا كل واحد واخذوا في شاق سلاكم وقد عاينوا قوتكم القوت ففعلنا بهم ذلك
لما ابرأوا لينا بما هم موسى من دين الله والحكام ومنه يظهر من هذا انهم كانوا على عهد موسى
من القرية وثقة على عليا كرها ومكانا كما كانوا في زمانهم وتركوا ما كانوا عليه وقتهم ورتبه
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت

هذا هو الذي نزل في
القرية والعاشر من
العادق

هذا هو الذي نزل في
القرية والعاشر من
العادق

بقوله احسنكم الاخصر ربه فانه كان نورا في اليهود على انهم كانوا من قبلهم فعلمهم الله تعالى وانما نزل اليهم
ان يقولوا اولهم الماسين بين يدي من الخلافة الى الحبل وما فعلت عليه الذين مضى عليه وتركوا على موسى وموسى
عليه السلام ما فعلتم ولا اخذوا بشا كل واحد واخذوا في شاق سلاكم وقد عاينوا قوتكم القوت ففعلنا بهم ذلك
لما ابرأوا لينا بما هم موسى من دين الله والحكام ومنه يظهر من هذا انهم كانوا على عهد موسى
من القرية وثقة على عليا كرها ومكانا كما كانوا في زمانهم وتركوا ما كانوا عليه وقتهم ورتبه
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت
فانما نزلنا قولك وصحبت اولها واتيتم مصوابعهم واصفروا في الحبال ايضا العصبان بالاعصاب باذانهم وصحبنا
بقولنا فانما في الظاهر عطاوا كلهم الساعة داخرين صاخرين واشرفوا في قلوبهم الحبل امروا في الحبل الماسين
قد رتب عاينه والى الله الذي لا يشبهه ليقين من عهد من لم يجد من كل رتب ففعلنا قوتكم القوت

هذا هو الذي نزل في
القرية والعاشر من
العادق

هذا هو الذي نزل في
القرية والعاشر من
العادق

[illegible]

والله اعلم

والواصلين المؤمنين المسلمين وكلهم اذ هذا واذا هو اذ قد عرفت ان يكون لهم ما من الله وما لم يمتد بهم
الى ما هو بين في ذلك بعد هذا فحينئذ ومن هذا قبل ان يكون له الوصل والاصل لا يكون في
مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من
افق مصفوفين لهم ثم قالوا الصادق ولا يابوا له اياهم من المؤمنين الذين كانوا بين عندنا الذين كانوا
طرفه مصفوفين طابوا لايته ولا يابوا له اياهم وعادوا عندنا اياهم اهل اقامتنا لادامهم التوفيق الى كتاب
الاستقامات اذ قد علموا انهم كانوا في طرفة عين من المؤمنين الذين كانوا بين عندنا الذين كانوا
الله التوفيق وما بيننا وبينهم ولا يابوا له اياهم من المؤمنين الذين كانوا بين عندنا الذين كانوا
على ما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من
ما عرفت ان يكون له الوصل والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
به وبذلك التوفيق لايته ولا يابوا له اياهم وعادوا عندنا اياهم اهل اقامتنا لادامهم التوفيق
الناس ويستعينونهم في طرفة عين وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين
وضع اهل التوفيق في كتابه على ما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا
فما يكون من العلم ان ذلك لا يكون الا في طرفة عين وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل
بقايا سليمان الا ان قلنا وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
ملك سليمان والتمسوا في الاستقامات وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
عنى اهل التوفيق بعينه وبه عليه وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
التي اهل التوفيق في كتابه على ما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا
الملكين وتعليمهم اياهما انما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا
وكان بعد ذلك قد تم التوفيق بعينه وبه عليه وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
يظهر به صريحه وبه عليه وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
الذين يكونون بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من
يقولوا للعلماء انما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من
يحيوا كما كان اسمعلا هذا التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
ما يقدر به الا ان قلنا ان ذلك كونه يتوفيق بعينه وبه عليه وعلى التوفيق والاصل لا يكون في مستقبل اعم الى ما هو بين من مشاهدته
من التوفيقات وما انما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من
بيننا لكم وما هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من
من هو بين من مشاهدته الامايات وما عاينته الله الا ان قلنا جاء في قوله تعالى من

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, located at the bottom of the page.

الشيخ الفاضل

العقيد الشريفة

(مجلس الشورى)

انظر

[illegible]

ثم ذكر الله سبحانه القليل من هؤلاء المستطين بالانحراف
من قبلة بيت المقدس الى الكعبة فلهذا

این کتاب محفوظ و الا قضا علیه السلام

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

وإذ خلقنا الإنسان من رزقنا بقية بعد اليسير في يوم
وعدناهم بأنهم لنا شركاء بالمعنى والحق بكم ولا خدعة
لنا منكم ولما تزيين ما لكم قالوا أعلناهم

حبیبی و شمارفام

اول المطبوع في دار المطبعه العامه في
دار العلوم في شهر ربيع الاول سنة 1285
مطبعه دار العلوم في دار المطبعه العامه في
دار العلوم في شهر ربيع الاول سنة 1285

از این ابله اندیش که در این کتاب
در این کتاب است که در این کتاب
در این کتاب است که در این کتاب
در این کتاب است که در این کتاب

الرفيق الذي لا يترك في الطريق من الهدى
فانما به كبر وفضل وكرامه
فصل في كلامه في الدنيا

فَلْتَقِ فِيهِ شَيْئًا لَّا تَعْمُ فِيهِ شَيْئًا
مِّنَ الشَّيْءِ فَلْيُحْيِ لَيْسَ لَكَ إِذَا خَلَّ
شَهْرُ رَجَبٍ ٣

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

في جميع القصور والبلدان والقرى
 وادارهم بالحق والعدل من ان
 في غير القلاع والبلدان والقرى
 من جبرموا في كل ما في القلاع والبلدان
 من جبرموا في كل ما في القلاع والبلدان
 من جبرموا في كل ما في القلاع والبلدان

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وقوته
وأنه لا اله الا هو
العليم الغني

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب

[illegible]

لافتار

احمد بن محمد بن قاسم بن علي

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کتابخانه

...
...
...

مسئلہ

وزن

ملک

[illegible]

جلد اول

[illegible]

کتابخانه

١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١
 ٤٧٢
 ٤٧٣
 ٤٧٤
 ٤٧٥
 ٤٧٦
 ٤٧٧
 ٤٧٨
 ٤٧٩
 ٤٨٠
 ٤٨١
 ٤٨٢
 ٤٨٣
 ٤٨٤
 ٤٨٥
 ٤٨٦
 ٤٨٧
 ٤٨٨
 ٤٨٩
 ٤٩٠
 ٤٩١

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

ان لم يكن في الدنيا لا يخرج منها ولا يضعها في الدنيا ولا يضعها في الدنيا ولا يضعها في الدنيا
الا ان يخرج من الجسد والجسد لا يخرج من الجسد ومن الجسد لا يخرج من الجسد ومن الجسد لا يخرج من الجسد
بطول الكبريتان من الجسد والجسد لا يخرج من الجسد ومن الجسد لا يخرج من الجسد ومن الجسد لا يخرج من الجسد
حتى بلغت من زكريا ان يخرج لها جوارا ومن الجسد لا يخرج من الجسد ومن الجسد لا يخرج من الجسد
الى الله وطالبها لا يخرجها ويصلحها حتى يكون عليها مطايا الاسهاة من مريم في نفوسهم يعني
العامة وان اعيد هلك وذريتها اجبرها بحفظك من الشيطان الرجيم المطرود واصل الرجيم
الرجي بالجماعة في الجميع على شئ من مامن مولود يولد الا والشيطان يمتد حين يولد
فيستعمل صارخا من منه الامريم وابنها ومعناه ان الشيطان يطبع في اغواء كل مولود
بحيث يتأخر منه الامريم وابنها فان الله تعالى عصمها ببركة هذه الاستعاذه فقبلها
بها فخرج بها في الذكر مكان الذكر بقوله حسن بوجه حسن فيقول به انذار وهو
ان منها مقام الذكر وفسلها عقيب ولا رتبا جدران تكبر وتصلح للسانه روي اة خسر
لما ولدتها فقها في فرقة وحملها الى الجسد ووضعته عند الاجدار وقامت وكن
هذه الذرية فتنها فاشيا لا انها كانت بنت امامهم وصاحبة قربانهم فاذ بها
ثان كانت دروس وصي من اسرائيل وملكهم فقال زكريا انا احق بها عندي فاشيا
فابوا الا القرعة وكانوا سبعة وعشرين فاطلقوا القرعة فاقوا فيه اتلامهم
فطعن فيهم زكريا ورسمت اقلامهم فتكفلها القول في رواية اصحابنا اة زوج زكريا
كانت اختها الا انها دواء التي والعباشي عن الباقر وبأق من تغير الامام ايضا
عائده عليه وكتبها بناتنا حسن مجاز عن شريتها بما يصلحها في جميع احوالها وكفلها
قري بائنا بد اي الله زكريا وقري بالقصر حيث وقع كما دخل عليها زكريا الحارث اي
الفرقة التي بنيت لها والمجد واشرف مواضع ومقدتها سقى به لا الله على عارضة
الشيطان كانها وضعت فاشرف موضع من بيت المقدس وجد عند هارثا جواب
كأروى ان كان لا يدخل عليها غيره واذا خرج اخلق عليها سبعة ابواب وكان عند
فاكهة اشتا في الصيغ وبالعكس قول وبأق مثله في رواية اخرى ان قال باقرم في ذلك
هذان من لك هذا الرقة الامة في غير ابوابها مغلقة عليك فالت هو جسدك
فلا تشعرا اة الله من في من يشاء بغير حساب العياشي عن الباقر قال ان طلة السلام
خمنت على عليه السلام عمل البيت واليقين والجزن وتم البيت وضمن لها على
ما كان خلف الباب فنقل الخطب وان يحيى بالطعام فقال لها يوما يا ناطة هل عندك
شئ قلت لا والذي عظم حقله ما كان عندنا شئ منذ تلك الا اني نزلت بك به في الا
اخبرني فالت كان رسول الله من نهان ان اسلك شيئا فقال لا شئ لي ابن فكل شيئا

ان جاور

ان جاورك شئ عقوق الا فلا شك في ان نخرج على عليه السلام فليجلنا في ستر من شئ
ثم اقبل به وقادسي فليقي مقدار من الاسود فقال للقداد ما اخرجك في هذه الساعة
قال الجوع والذي عظم حقله بالامر المؤمنين قال فهو اخرجني وقد استخرجت دنيا
وساؤا فرك به قد نعد اليه فقبل فوجد رسول الله ص جالسا في طلة فقبل وسبها
شئ معطى فلي زجرت اجترت ذلك فاجفته من خير وجره ان بان طلة في ذلك هل
فالت هو من عند الله اة الله يردق من يشاء بغير حساب وقال رسول الله صلى الله عليه
الا احذرك بشك وشكها قال بلي قال مثل زكريا اذا دخل على مريم الحارث فوجد عندها
وزنه ان لا يامر من اتيك هذا فالت هو من عند الله اة الله يردق من يشاء بغير حساب فكل
منها شئ وهي الحقة التي ياكل منها القائم ص وعدا في الكافي اورد هذا الخبر
اخر من طريق العامة بنو ثا لث اوردوا الزعري وايضا وبغيرها فلي
سيرم فلي في ذلك المكان او الوقت وعان زكريا بلي ما زكريا امرة مريم ومنها
من عند الله العياشي عن الباقر انها كانت اجلا لثا وكانت تقبل فضي الحارث
فدخل عليها زكريا الحارث فاعند ما فكهة الشاء في الصيغ فاشيا في الشاء
فقال انك هذه فالت هو من عند الله هذا لك دعا زكريا ربه في تغير الامام في
البقر اة زكريا قال في نفسه اة الذي يقدر ان ياتي مريم بفكهة الشاء في الصيغ
فكهة الصيغ في الشاء لقادران يهب ولدا وان كنت شيا وكانت اوان عاقرا
فنه لك دعا ربه فالت صلب لي من لك ذرية طيبة ولدا باوكا وبهت الحقة
فالت كانت عند الصيغ بنت عمران ابن مافان لخت حنت فزرب ان يكون له ولد منها
مثل ولد اختها حقة في الكرامة على الله انك سمع الله عاو مجيبه فنادته الملائكة
وقري فناطه بالذكور وهو قمر يصلي في الحارث ان الله قري بك البهر بغير
وقري بفتح الهاء ومنم الشين وكذا فيها ياتي يحيى مصدقة بكلمة من الله يعني
يعيسى كما بان عنقريب ويتنا ليؤدقومه ويؤفهم وكان يقال للثا
كلهم في اة ما هم معصيتك وعصوا في تفسير الامام يعني ربنا في طاعة الله
على اصل طاعة ربنا في حصر الشئ النفس عن الشهوات والملاهي روي
ان زكريا صلبا مجيبا فذعوه الى اللعب فقال ما للعب خلقت وعين الصادق
هو الذي لا يات النساء وبات ذكر الزوايين في سورة مريم اذا ما هه فلي
من الصائحين كانا من عداهم وناشيا منهم في تغير الامام م عند قوله تعالى
واستشهدوا شهيد من رجالكم ما الحق الله تحسبا تأمر جال كامل العقول
الا هو لا ولا اربعة عيسى بن مريم ويحيى ابن زكريا والحسن والحسين

وقال في كتابه في تفسيره
وقال في كتابه في تفسيره
وقال في كتابه في تفسيره

عقود رجب قبل قربهم بهم ينقض عليهم من الله ما زلت الايات في جعل من الاشار
لما كان من سويدين الصاوت وكان في تلك الايام من اعداء الله ودينه من الاسلام ونحوه
ثم بعد ذلك في يوم من ايام رسول الله صلى الله عليه وسلم من قريش او من قريش فخرها ودينه من الله
لما علم ذلك صدوق رسول الله صلى الله عليه وسلم وان الله تعالى صدق الله ورجع الى الله
وتاب من اسلامه ان الذين كفروا بعد ما جاءتهم البينات وحملوا على الله ورسوله
بعدا لا ياتون على الدين الا حلالا وحراما واذا هم في شقاق وفتنة وانهم في شقاق
به قبل ما جئهم به من البينات والهدى لا ياتون على الدين الا حلالا وحراما
انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون
لما علم ذلك صدوق رسول الله صلى الله عليه وسلم وان الله تعالى صدق الله ورجع الى الله
وتاب من اسلامه ان الذين كفروا بعد ما جاءتهم البينات وحملوا على الله ورسوله
بعدا لا ياتون على الدين الا حلالا وحراما واذا هم في شقاق وفتنة وانهم في شقاق
به قبل ما جئهم به من البينات والهدى لا ياتون على الدين الا حلالا وحراما
انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون

هذا هو الحق الذي لا يبدل عليه الايات
والله اعلم بالصواب

عقود رجب قبل قربهم بهم ينقض عليهم من الله ما زلت الايات في جعل من الاشار

على نوح وابراهيم ومن بعده من بني اسرائيل الى ان انتهى القريم اليها فذكرهم الله تعالى في القريه
في قوله تعالى انهم سجدوا لهما فاجابهم بكلمة من الله تعالى في حق نبيهم ان الله عز وجل
ونعيمهم لا يدرى من انهم كما نؤمن انهم على ارجح اليقين فذكرهم الله تعالى في القريه
كان عزها على الانبياء وبعثهم على ارجح اليقين فذكرهم الله تعالى في القريه
لانفسهم كما يريهم من الله تعالى في القريه فذكرهم الله تعالى في القريه
انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون
لما علم ذلك صدوق رسول الله صلى الله عليه وسلم وان الله تعالى صدق الله ورجع الى الله
وتاب من اسلامه ان الذين كفروا بعد ما جاءتهم البينات وحملوا على الله ورسوله
بعدا لا ياتون على الدين الا حلالا وحراما واذا هم في شقاق وفتنة وانهم في شقاق
به قبل ما جئهم به من البينات والهدى لا ياتون على الدين الا حلالا وحراما
انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون انما اريدوا طغيانا وهم يسمعون

هذا هو الحق الذي لا يبدل عليه الايات
والله اعلم بالصواب

على نوح وابراهيم ومن بعده من بني اسرائيل الى ان انتهى القريم اليها فذكرهم الله تعالى في القريه

[illegible][illegible]

فردی که با مصدق موافقت کند
کتاب الموت کند

در جفت‌النوم قضاها فیها الفتن
ارچنه چیرای دودوغ‌الکند کتر

بعد مودت و محبت و دوستی
عاشق نشاء و محبت و دوستی
بعضی الطریق نذر مودت
دوا عیتم باقر است

قوله

سازمان امور خانواده

10

١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١
 ٤٧٢
 ٤٧٣
 ٤٧٤
 ٤٧٥
 ٤٧٦
 ٤٧٧
 ٤٧٨
 ٤٧٩
 ٤٨٠
 ٤٨١
 ٤٨٢
 ٤٨٣
 ٤٨٤
 ٤٨٥

قال قال رسول الله صلى الله عليه واله ما من نكحة ما لخلل وزرع او كرم يمنع نكحة ماله الا فخلل
تريه اشد يطوق بهما من سبع ارضين الى اديم النجعة ولله يرضى السخا والافق وله ما فيها
مما توارث في السخا لا يملكون عليه ماله ولا ينفقونه في بيله والله ما فعلوه من المنع
الا عطاء خير مما يجازيهم وقرئ يا ابا القحافة وهو المانع في الوعيد القاذف الله قول
الذين في قوله الله يفرحون اغنياء قولا اليهود ولما سمعوا من ذلك الذي يقرض الله فزجنا حسنا
كما قيل والقرى قال والله ما والله فيخلو الله فكلهم بأقواله واليه الله ففراة فقالوا
غيتا لا فخر ولا فخر فاعل الله بالقرى في المناكب عن المارق عليه السلام هم الذين
عجوز ان الامام يحتاج الى ما يملونه اليه سكتا طاولا في صنائف الكتبة وحفظه وخطا
لا يفسد لا تكتبه عظيم ان هو كره الله واستمر اريد وتسلمه الانبياء في حق في الكا في
اما والله ما قتلوه باسائهم ولكن انا عا امهم وانقلوا عليهم فقتلوا وقرئ سكت
بالياء وحسبهم قتلهم بالقرى ونقول وقرئ بالياء وقد قتلوا بالقرى وينتقم منهم هذا
القول ذلك ما قد مت اي بكم والله ليس بظلام للعباد بل انما يعد بتمبغى
العدول ان عذب ولم يشفع الله الذين قاتلوا الله عهده اليها امرنا في القولة واما
الايمان كرسول حتى يايتنا بقرآن نأكله التا حتى تايتنا بهذا المعجزة الخاصة اليه كانت لا ياتنا
بنو اسرائيل وهو ان يقرب بقرآن وهو ما يقرب به الى الله من ذبحة او غير ما يذبحون الى
فدعوه فتقول نادون المستعاضة فترى قربان من قتل منده وهذا من مقتضاها ثم واما طيلهم
لوق هذه اثمنا وجب الامان كونهما فخره فخرج سائر الميزات سوا ذلك كل قد علم
ومل من كل البنات والبادي فلم تتركتموه ان كنتم ساء ودين تكذيب والارباب
رسلا جاتهم بذلك كرا ويحيى معجرات اخو موجه للتصديق وما اشرحه فتلقوه
فلو كان موجب التصديق هو الايمان به فكان امتناعهم وتوقعهم عن الايمان لاجله
قال لهم لم يؤمنوا من جات في معجرات اخو الجحش فاعل تلمبه الكا في الصا وتعليق
كان بين القائلين والقائدين خبايا عامه لانهم الله القتل برضاهم بما فعلوا ومثله العيا
في عدة روايات فان ذلك يؤيد فقد ثبت من قبله جازا بالقياسات المعجرات والارباب
والواظفة والناجدة والكتب المير المشتمل على الفراع والاحكام وقوم بالزهر كل نفس
ذائقة الموت وعدو وعيد للصدق والكلب وقرئ ذائقة الموت في القيا نوعين الباق من قبل
لمرئ ذ الموت ثم قال لا يملكون حتى يفرق الموت وعده من قبل بشر حتى يموت ومن مات
يفرح حتى يقتل وقد مضى الحديث الاول بقا معنفس قوله فان مات او قتل من هذه الشوة
في الكافي عن الصادق عليه السلام انه قال يموت اهل الارض حتى لا يبقى احد منهم اهل النار
حتى لا يبقى احد الا ملك الموت وحلة العرش جبرئيل وميكائيل عليهم السلام قال يحيى ملك الموت

فيعلم
الذين في قوله الله يفرحون اغنياء قولا اليهود ولما سمعوا من ذلك الذي يقرض الله فزجنا حسنا
كما قيل والقرى قال والله ما والله فيخلو الله فكلهم بأقواله واليه الله ففراة فقالوا
غيتا لا فخر ولا فخر فاعل الله بالقرى في المناكب عن المارق عليه السلام هم الذين
عجوز ان الامام يحتاج الى ما يملونه اليه سكتا طاولا في صنائف الكتبة وحفظه وخطا
لا يفسد لا تكتبه عظيم ان هو كره الله واستمر اريد وتسلمه الانبياء في حق في الكا في
اما والله ما قتلوه باسائهم ولكن انا عا امهم وانقلوا عليهم فقتلوا وقرئ سكت
بالياء وحسبهم قتلهم بالقرى ونقول وقرئ بالياء وقد قتلوا بالقرى وينتقم منهم هذا
القول ذلك ما قد مت اي بكم والله ليس بظلام للعباد بل انما يعد بتمبغى
العدول ان عذب ولم يشفع الله الذين قاتلوا الله عهده اليها امرنا في القولة واما
الايمان كرسول حتى يايتنا بقرآن نأكله التا حتى تايتنا بهذا المعجزة الخاصة اليه كانت لا ياتنا
بنو اسرائيل وهو ان يقرب بقرآن وهو ما يقرب به الى الله من ذبحة او غير ما يذبحون الى
فدعوه فتقول نادون المستعاضة فترى قربان من قتل منده وهذا من مقتضاها ثم واما طيلهم
لوق هذه اثمنا وجب الامان كونهما فخره فخرج سائر الميزات سوا ذلك كل قد علم
ومل من كل البنات والبادي فلم تتركتموه ان كنتم ساء ودين تكذيب والارباب
رسلا جاتهم بذلك كرا ويحيى معجرات اخو موجه للتصديق وما اشرحه فتلقوه
فلو كان موجب التصديق هو الايمان به فكان امتناعهم وتوقعهم عن الايمان لاجله
قال لهم لم يؤمنوا من جات في معجرات اخو الجحش فاعل تلمبه الكا في الصا وتعليق
كان بين القائلين والقائدين خبايا عامه لانهم الله القتل برضاهم بما فعلوا ومثله العيا
في عدة روايات فان ذلك يؤيد فقد ثبت من قبله جازا بالقياسات المعجرات والارباب
والواظفة والناجدة والكتب المير المشتمل على الفراع والاحكام وقوم بالزهر كل نفس
ذائقة الموت وعدو وعيد للصدق والكلب وقرئ ذائقة الموت في القيا نوعين الباق من قبل
لمرئ ذ الموت ثم قال لا يملكون حتى يفرق الموت وعده من قبل بشر حتى يموت ومن مات
يفرح حتى يقتل وقد مضى الحديث الاول بقا معنفس قوله فان مات او قتل من هذه الشوة
في الكافي عن الصادق عليه السلام انه قال يموت اهل الارض حتى لا يبقى احد منهم اهل النار
حتى لا يبقى احد الا ملك الموت وحلة العرش جبرئيل وميكائيل عليهم السلام قال يحيى ملك الموت

حتى يقوم بين يدي الله عز وجل فيقال له من يحيى وهو اعلم فيقول يا رب لم يبق ملك الموت وحلة
العرش وجبرئيل وميكائيل فيقال فيقول يا رب لم يبق ملك الموت وحلة العرش وجبرئيل وميكائيل
رسولاك وامينك فيقول ان قد قضيت على كل نفس فيها الروح بالوت ثم يحيى ملك الموت
حتى يثبت بين يدي الله عز وجل فيقال له من يحيى وهو اعلم فيقول يا رب لم يبق ملك الموت
وحلة العرش فقل بجلد العرش فليجوزوا قال ثم يحيى ملك الموت فيقال له من يحيى وهو
اعلم فيقول يا رب لم يبق الا ملك الموت فيقال له من يحيى وهو اعلم فيقول يا رب لم يبق ملك الموت
ويقول ابن الذين كانوا يدعون معي في الدنيا ان الذين جعلون معي لها اخرا فاعلوا في يومكم
تدخلون جزاء اعاكم خير كان او شر انا ما وانا يوم قيامكم من القبور وقد يكون فيها بعض الايدي
كما يدل عليه اخبار غريب لا يرفعها به فمن خرج من النار او يبعد عنها او يدخل الجنة فقد فز
خلفها في الجنة وقيل المراد في الجاهل من النبي صلى الله عليه واله ملكا من الله جعل له في الجنة
فيعز في حلفه وعلما في اتممت الله لا يعل على عبد من عبادي الا خرجته من النار ولا يخلد
اجنة ولا يفضله عبد من عبادي الا يفضله وادخلته النار وحل المعبر في كل سنة من الصا
عليه السلام خياردك بكم وفراة كك جلاؤكم ومن خالص الايمان اربا الاخوان
التي في حواشيهم واة البار بالاخوان في الجنة في ذلك مرغمة الطمان وزمن
عن ارباب ودخل الجنان وما في الدنيا وذا دنائها وقصوها الاشياء الغريبة من رجع
غار فيقولوا اي والله فترى في اموالكم بتكليف الانفاق وما يجيد من الامان وانفسكم بها
والقتل والامر والخرج وما يرد عليها من الحاف والارض والمصاب وفي العدا من انما عليه السلام
في اموالكم بالرجح الذكرة وفي انفسكم بالثبوت على العبر وتسلم من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم
والذين اوتوا الكتاب من قبلكم من الله عليه واله والحق في الدين واغرا الكفرة على الحين
وغير ذلك اخرجهم بذلك قبل وتوعها ليوصلوا انفسهم على العبر والاحقاد ويشعروا للقاء حتى
لا يرفعهم من ولها وان تغيروا على ذلك وتشفوا عنا لله امر الله في ذلك وان يعنى العبر والقوة
من عزم الاكوار مما يجب ثبات الرأى عليه غوامضه واذا اخذ الله ذكره وقت اخذها فاق
الذين اوتوا الكتاب بالحق على ما قر عليه السلام بعض في محبة صلى الله عليه واله ليقبض للقاء
ولا تكتبه في قوله لفاخرج وقرئ بالياء فيهما بئس ذما في الميثاق فداء فلهو وقرئ براهوه ولم
يقتضوا اليه والبئس ذما الظاهر في ترك الامتداء وعدم الالتفات ويقال له جعله بغير عيب
واشروا بواحد وايدله فزنا فليلا من حطام الدنيا واغرا انها ليس بالاشرة في الجمع على الله
ما انغدا الله على اهل الجمل ان يعملوا حتى اخذ على اهل الجمل ان يعملوا في الاحتياج عنده في
حديث يذكرو فيه اعداء رسول الله صلى الله عليه واله وسلك المدين في ايات الله تامل
لهذه الاية فيهم وقد سبق ذكره في المعقة مع الصادقة لاعتين الذين يفرحون بما اوتوا يعينون

الذين في قوله الله يفرحون اغنياء قولا اليهود ولما سمعوا من ذلك الذي يقرض الله فزجنا حسنا
كما قيل والقرى قال والله ما والله فيخلو الله فكلهم بأقواله واليه الله ففراة فقالوا
غيتا لا فخر ولا فخر فاعل الله بالقرى في المناكب عن المارق عليه السلام هم الذين
عجوز ان الامام يحتاج الى ما يملونه اليه سكتا طاولا في صنائف الكتبة وحفظه وخطا
لا يفسد لا تكتبه عظيم ان هو كره الله واستمر اريد وتسلمه الانبياء في حق في الكا في
اما والله ما قتلوه باسائهم ولكن انا عا امهم وانقلوا عليهم فقتلوا وقرئ سكت
بالياء وحسبهم قتلهم بالقرى ونقول وقرئ بالياء وقد قتلوا بالقرى وينتقم منهم هذا
القول ذلك ما قد مت اي بكم والله ليس بظلام للعباد بل انما يعد بتمبغى
العدول ان عذب ولم يشفع الله الذين قاتلوا الله عهده اليها امرنا في القولة واما
الايمان كرسول حتى يايتنا بقرآن نأكله التا حتى تايتنا بهذا المعجزة الخاصة اليه كانت لا ياتنا
بنو اسرائيل وهو ان يقرب بقرآن وهو ما يقرب به الى الله من ذبحة او غير ما يذبحون الى
فدعوه فتقول نادون المستعاضة فترى قربان من قتل منده وهذا من مقتضاها ثم واما طيلهم
لوق هذه اثمنا وجب الامان كونهما فخره فخرج سائر الميزات سوا ذلك كل قد علم
ومل من كل البنات والبادي فلم تتركتموه ان كنتم ساء ودين تكذيب والارباب
رسلا جاتهم بذلك كرا ويحيى معجرات اخو موجه للتصديق وما اشرحه فتلقوه
فلو كان موجب التصديق هو الايمان به فكان امتناعهم وتوقعهم عن الايمان لاجله
قال لهم لم يؤمنوا من جات في معجرات اخو الجحش فاعل تلمبه الكا في الصا وتعليق
كان بين القائلين والقائدين خبايا عامه لانهم الله القتل برضاهم بما فعلوا ومثله العيا
في عدة روايات فان ذلك يؤيد فقد ثبت من قبله جازا بالقياسات المعجرات والارباب
والواظفة والناجدة والكتب المير المشتمل على الفراع والاحكام وقوم بالزهر كل نفس
ذائقة الموت وعدو وعيد للصدق والكلب وقرئ ذائقة الموت في القيا نوعين الباق من قبل
لمرئ ذ الموت ثم قال لا يملكون حتى يفرق الموت وعده من قبل بشر حتى يموت ومن مات
يفرح حتى يقتل وقد مضى الحديث الاول بقا معنفس قوله فان مات او قتل من هذه الشوة
في الكافي عن الصادق عليه السلام انه قال يموت اهل الارض حتى لا يبقى احد منهم اهل النار
حتى لا يبقى احد الا ملك الموت وحلة العرش جبرئيل وميكائيل عليهم السلام قال يحيى ملك الموت

حکیم

100

و در این مقام که در این کتاب مذکور است

لنقل من طعام او ثياب وصلة وما عدا ذلك فله وادامته لا يرد ما يتقلب فيه الجاهل
 لتقته ويرى من له وادامته بالالام وان من اهل الكتاب من يؤمن بالله وما انزل اليه
 من القران وما انزل اليهم من كتاب بين خائفين منه لا يخشون بايات الله ثمنا فليكن كما
 فعله المجرمون من احياءهم اولئك هم ابراهيم عترة ويوسف ابراهيم عترة ويوسف ابراهيم عترة
 في اية اخرى ان الله سبحانه اعطى العلم بالاعمال وما يتوجه كل عامل الى الخلق
 وشرع في الجزاء ويوصل الاجر الموعود بها يا ايها الذين آمنوا امروا على الفرائض
 وصاموا وعلى الفرائض رابطوا على الاخذ والعياشي عندهم ابراهيم وعنه المعاصي
 وصاموا واعقروا من غيركم من غيركم ورابطوا امامكم وعن الباقر عليه السلام
 وصاموا وعلى التقية وفي المعاصي عن الصادق عليه السلام اصروا على المعاصي وما
 على التقية الفطنة ورابطوا على من تقيدون به واتقوا له اهلككم يخلون العياشي الصادق
 يعني فيما امركم به واقرض عليكم والفتي عن الصادق عليه السلام نزل الابه في العباس
 وبنوا له لم يكن الرابطة الذي امر به وسيكون ذلك من شئنا الماربط ومرسله
 الماربط وفي الجمع عن امير المؤمنين عليه السلام رابطوا الصلوات في اى النظر بها والى
 بعد واحدة لانه الماربط لم تكن حرج وعنه النبي صلى الله عليه واله من الرابطة انظر
 الصلوة بعد الصلوة وقد مضى ثواب قراءة هذه التوبة في اخر سورة البقرة
سورة النسا
 يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وعلينا له مخرجنا وخلقنا
 زوجكم من نطفة واحدة من اسفل ضلعك وبيتكم مقبلين فارجوا الاكثر اتقوا ربكم
 وبنات كبره وبنات لامر بالتقوى على ذلك لما فيه من الاله على القدر الفاعل من حقيقها
 ان يعيشى والتعهد الفاعل الذي يجب طاعة مولايها العياشي من امير المؤمنين عليه السلام
 قال خلقت حوامن شعير حبش ادم والقصير هو الضلع الاصغر وابد الله مكانه محاورا
 خلقت حوامن جنب ادم وهو اقد وعن الصادق عليه السلام اذ الله خلق ادم من الماء
 والماء فخلق ابن ادم في الماء والماء وانه الله خلق حوامن فمست النساء الرجال فخلقوا
 في البيوت في التقية والعلل عندهم من الله من خلق حوامن وقيل له اذ عندنا
 اناس يقولون ان الله عز وجل خلق حوامن من ضلع ادم الا انهم لا يسمون الله وتعاين ذلك
 علوا كما يقولون ان الله يقول من يقول هذا ان الله تبارك وتعالى لا يكون القدر ما خلقه لادم
 ووجد من غير ضلعه ويجعل للتكلم من اهل الفتيان هذا المالك يقول ان ادم كان نكح
 بعض اذكنت من ضلعها ما لم يزل حاتم الله بنينا وبينهم ثم قال الله تبارك وتعالى
 لما خلق ادم من طين وامر الملائكة سجودوا لله الذي عليه السلام ثم ابشع له حوامن لعلها في موضع
 الفقرة

المراد من قوله
 وبنات كبره
 وبنات لامر
 وبنات كبره
 وبنات لامر
 وبنات كبره
 وبنات لامر

النفوس التي بين يديه وذلك لكي تكون المرة تنعما للجل فاجبت تركه فنبه لتركها فاما البقرة
 فمؤدبها ان تفتق عنده فلانظر اليها نظر الى خلق حسن يشد صوتها في ايتها فتكلمها فتكلمت
 بالحبه فقال لها من انت فقالت خلق خلق خلقني الله كما ترى فقال ادم عند ذلك يارب من
 هذا المخلوق الحسن الذي قد انشئني من ربي والنظر اليه فقال الله يا ادم هذه امي حواء اتعجب
 ان تكون معك فتوسك وتعد بك وتاخر الامرك فقال نعم يارب ولك على هذا الفكر
 والمجد يابقت فقال الله تبارك وتعالى فخطبها اليها فخطبها اليها فخطبها اليها فخطبها اليها
 ايضا زوجة للتوبة والنفق الله عليه التقوى وقد علمه قبل ذلك المعرفة بكل شئ فقال
 يارب فان خطبها اليك فارضاك لذلك فقال رضاك ان تعلمها عالم وفيه فقال
 ذلك لك يارب علي ان شئت ذلك فقال قد شئت ذلك فخطبها اليها فخطبها اليها فخطبها اليها
 زوجتها فخطبها اليك فقال لها ادم عليه السلام اليه فخطبها اليه فخطبها اليه فخطبها اليه
 اليه فله عزة وجل ادم ان يقوم اليها فقام ولولا ذلك لكانت بين يديه حتى
 غطين على انفسهن ففقد حواء سلوات الله عليها وافيها عن الباقر عليه السلام
 انه سئل عن امرئ شئ خلق الله حواء فقال اي شئ يقولون هذا خلق خلق فقولوا
 هذا خلق خلق يقولون ان الله خلق من ضلع من ضلع ادم عليه السلام فقال كذا يهاك ان
 يعرف ان يخلقها من غير ضلعه ثم قال الخبر ياني من ابله عليهم السلام قال قال رسول
 صلى الله عليه واله ان الله تبارك وتعالى خلق من طين خلقها بيته فكلمها
 به يمين فقام منها ادم وفضل فضله من الطين فقام منها حواء وفي العاقل عند صلى الله
 عليه واله خلق الله عز وجل ادم من طين ومن فضله وبقية خلقه حواء وفي
 اخرى خلقه من باطنه ومن شجائه ومن الطينة التي فضلت من ضلعه الاخير
 قال في الفقيه واما قول الله عز وجل يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من
 نفس واحدة وخلق منها زوجها والجزا الذي روى ان حواء خلقت من ضلع ادم الاخير
 صحيح ومعناه من الطينة التي فضلت من ضلعه الاخير فخلقها من ضلع ادم الاخير
 الرجا ان تقص من اسلاف النساء ينسج اقول فمأوردا ما خلقت من ضلع الاخير
 اسنادا الى ان البقرة الحسمانية انموذ في العاقل اقوى منها في الرجال والبعثه وازني
 حاقية الملكة بالحق من ذلك الامر وذلك الالهة العين مما يكن به من عالم الملك
 والحق والحق مما يفتي به من عالم الملك بالحق والحق مما يفتي به من عالم الملك
 الجسم واليمين عيادة عن مادة الروح ولا ملك الا ملكوت وهذا هو المعنى بقوله
 علي السلام وكلماته يمين يمين فخلق الله الاخير ليقص من ادم كناية عن بعض الثمر
 التي تنشأ من غلبة الجسمانية للفر من عالم الخلق وهو ضله فخلق المستنطق من باطنه

ان شئ

التي سابت مادة مخلوق حوافر في الحديث طاعة جهة الملكوت والارضية الرجال افرى من جهة
الملك والمخلوق والمكسب فيها في النشأة والظواهر عونا في الباطن وهذا هو السر في هذا
التنصيص في افعال الرجال بالاضافة الى النساء واسرار الله الاله المكنون في كلام
المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين جمع الى ما هيته العاخرة من حله على ظاهر
دون اصله كبدن وفي العلل من الصادق عليه السلام انه سئل عن بدو القتل
من ذرية ادم عليه السلام وقيل لمان عندنا اناس يقولون ان الله تبارك وتعالى
اوحى الى ادم ان يزوج نياته من بنيه وانه هذا المخلوق كله من الاخوة والاحبات فقال
عليه السلام سبحان الله وتعالى عن ذلك علوا كبيرا يقول من يقول هذا ان الله عز وجل
جعل اصل صفوة خلقه واجباته وبنياته ووسله والمؤمنين والمؤمنات والمسلمين
والمسلمات من حرام ولم يكن له من القدر ما يخلقهم من الحلال وقد اخذ من صفاتهم
على الحلال والطاهر والظاهر الطيب ولقد نبئت ان بعض البهائم تنكح لجنه فلما
نزل عنها وزل كفت له عنها وعلى انما اخذها من عروته ثم تبش عليه بسنة ثم تاحه
ثم خربت من ربه راية اخرى منه عليه السلام ما يقر به منه مع تأكيد بلوغ في حرم الاخوات على الا
واله كانت له في ذلك الكليل الاربعة النزل المشهورة وانه يخلق من خلقه من طاهر
ميوحات الانبياء والخذوان من حيث لم يؤمر بها من الله: فصاروا الى ما قدره من الفضل
والجهد وفي اخرها ما اراد من يقول هذا ونسبه الا نقول في الجوس في الهمة في الله
في قول ان ادم صلوات الله عليه ولده سبعون طبعا من كل بين غلام وجارية الى ان
قتل هابيل فلما هابيل جزع ادم على هابيل جزعا قطعته عن ايشان النساء فبقى لا يستطاع
ان يغشى حواجره في عام ثم قيل ما به من انزع عليه يغشى حواجرها الله له شيئا معه
ليس معه ثوب وانما عتبة الله وهو اول وصي اوصى اليه من الادميين في الارض ثم ولد
من بعد شيث يافث ليس معه ثوبان فلما ادم كاد ان يذبحه وجعل ان يسلخ بالقتل ما رزق
وان يكون ما قد جرى به القلم من تحريم من وجعل من الاخوات على الاخرة انزل بعد بعض
في يوم الخميس حوراء من الجنة اسمها نزلت من الله عز وجل ادم ان يزوجها من شيث
فزوجها منه ثم انزل بعد البعض من القدر حوراء من الجنة اسمها نزلت من الله عز وجل
ادم ان يزوجها من يافث فزوجها منه فولد اليث غلاما وولد لياث جارية فاما الله عز وجل
ادم حين ادرك ان يزوج ابنته يافث من ابن شيث ففعل فولد الصغوة من ابنتين
والمرسلتين من شلهما ومع ان الله ان يكون ذلك على ما قواس امر الاخوة والاحبات
وفي القيد منه على الله ان ادم ولد له شيث وان اسمه هبة الله وهو اول وصي
اوصى اليه من الادميين وساق الحديث الى اخر ما ذكر في العلل والعباشة منه على السلام

مقل

قيل ان الناس من عونا ان ادم زوج ابنته من ابنته فقال قد لا الناس ذلك ولكن ما علمت ان
رسول الله صلى الله عليه واله قال لو علمت ان ادم زوج ابنته من ابنته لم يزوجت مني
من القاسم وما كنت لا رغب عن دين ادم وفي الكافي عن الباقر عليه السلام انه ذكر له
الجوس وانهم يقولون تكلم الله عليه وانه تكلم ولدا ادم وانهم يجادلون
بذلك فقال انما انتم ولا تاجونكم بدلائل ادرك صفة الله ادم يارب زوج هبة الله هبة
عز وجل حوراء فولدت له اربعة غلات ثم زوجها الله قال يارب زوج ولد هبة الله هبة
عز وجل اليه ان يخطب الى رجل من الجن وكان مسلما اربع بنات له على ولد هبة الله
فزوجهن والعياشي فكان من جمال وحلم في قبل حوراء والبنوة وما كان من سفر
او حلة فمن الجن والعباشة عنه عليه السلام قال ان ولدا ادم اربعة ذكور فاحص
عليه اربعة من حوراء العين فزوج كل واحد منهم واحدة فولدوا ثم ان الله عز وجل
وزوج هؤلاء اربعة من ابنته نصار اقبلهم فكان من حلم في ادم وما كان من جمال
فمن قبل حوراء العين وما كان من قبح او سوء خلق في الجن وفي رواية له ولدا لادم
هبة الله وكبره ان الله ان يزوج فاذن الله له الحوراء من ابنته فزوجها اياه فولدت
له اربع بنات بنين ثم ولد لادم ابن اخر فلما اكبر امره فزوج له ابنة فولدت له اربع بنات
فزوج بنو هذا فكان من جمال في قبل حوراء وما كان من حلم في قبل ادم وما كان
من خلقه فقبيل ابنة فولدت له واحد الحوراء الى النساء ولما افقيد عن بعضهم
ان الله عز وجل انزل على ادم حوراء من الجنة فزوجها احد بنيه فزوج ابنة ابنة ابنة
فكان في الناس من جال كثيرا وحسن خلق فزوج الحوراء وما كان منهم من سوء خلق
من ابنة ابنة وفي ذب الاسناد عن التماس عن ابي الحسن عليه السلام حلت حوراء هابيل واختاله في بلن
ثم حلت في البط الثاني قاييل واختاله في بلن فزوج هابيل القبح قاييل فزوج قاييل
مع هابيل ثم حدث الخريم بعد ذلك وبه الجميع عن الباقر عليه السلام انه حواء امرأة ادم كانت
تلد فكل بلن غلاما وجارية فولدت في اول بلن حقيق وقيل وقيل قاييل وتوالت
اقبلها بنت ادم والبلن الثاني هابيل وقوامته لوزا فلما ادركها جميعا امر الله تعالى ان تنكح
قاييل بنت هابيل وهابيل اخت قاييل فزوجى هابيل وابنتي قاييل كان اخته كان كسبتها
وقال هابيل الله بهذا ولكن هذا من ربي فها الله ان يقرها فزانيا فلما كانت عذبت
وبان تمامه في سورة المائدة عند تفسيره وائل عليهم بنا ادم وفي الاحتجاج عن السيد العسكري
عليه السلام رجل من قرشي قال لما تاب الله على ادم واقرب حواء اول اكن شيئا من مخلوق وخلقنا لاف
الارض وذلك بعد ما تاب الله عليه قال وكان ادم يعظم البيت وماله من حومة البيت
اذا اذاد ان يغشى حواجره من الحرم واخرجه معه فلما جاز الحرم شيئا في المكن ثم يغشاها منه

بنات هذا

عليهم والعقبي منسوخة بقوله بوجوبكم الله والعتاشي عن الباقر ع الصادق عليهما السلام
تختصم الآية العنصرين وفي رواية عن الباقر عليه السلام انه سئل من هو الذي لا اذله
فاعطيهما قولنخر الوجوب لا ينافي بقاء الجواز والاختيار وقدم نظيره في سورة البقر
وليش الذين لو انهم لم يخلوهم ذرية خيرا فاحوا عليهم امر بان يغشوا الله ويتقوه
في امر البتاني فيقولوا بهم ما يكون ان يفعل بل وادهم الصغار بعد وانهم في الكفا
والعتاشي عن الصادق عليه السلام من علم بتمامه اسلم الله عليه من بطله او عتقه
او على عقبه عتبه ثم لا هذه الآية يلتزم والله في امر البتاني وليقولوا لهم تولا سدي
مثل ما يقولون لا ولاهم بالثقة وحسن الادب ان الذين ياكلون اموال البتاني ظلموا
انما ياكلون في بطونهم نادا ما يجزى لما تاد وسبيلون سراج يدخلون نادا وادي ناد وقرني
بغم الياء وصلوا لنا معاشا حراما وحيله شريرة والاسلحة الا لقتلها وسعها لاد
البتاني في الفقيه عن الصادق ع اكل مال اليتيم سلخه وبال ذل في الدنيا والاخرة
امانة الشياطين الله يقول ولجش الذين الاية وما في الاخرة فاما الله يقول ان الذين ياكلون
الاية والقي عند عتبه ع قال قال رسول الله صلى الله عليه واله لما استر في آل البيت
رايت قوما يتخذون في اموالهم النار يخرج من ادمهم فقلت من هؤلاء يا جبريل فقالوا
هؤلاء ياكلون اموال البتاني ظلموا في الكفا عن الباقر ع ان اكل مال اليتيم يجي
يوم القيامة والنار تلتهب في بطنه حتى يخرج لهها النار من فيه يومئذ اهل الجمع
انه اكل مال اليتيم بوجوبكم الله بامرهم ويعتد اليكم ويفرض عليكم في الاولاد في ثلث
مراتم للذكر مثل حظ الانثيين اذا اجتمع الصفات والعلة فيه ما في الكافي عن الباقر
عليه السلام الثمن رجوع عيا لعلهم وفي الفقيه عن الصادق عليه السلام لما جعل
لها وفيها عنه عليه السلام لانه ليس عليها جهاد ولا نفقة ولا معقلة وعتقها
فان كان انشاء ليس معهن ذكوة ثوب ثلثين فلهن ثلثا ما ترك المتوفى عنكم وان كانت واحدة
وقري بالفتح ثلثا التيمم ولا يوتي ولا يوتي ولا يوتي المتوفى لكل واحد منهما الثلث من ثمنها
ان كان ذكرا كان اربعة واحدا كان اربعة لم يكن له ذكوة ثوب ثلثا ما ترك المتوفى
ما ترك ذكرا كان له اخوة فلهما الثلث من ذكوة ثوب ثلثا ما ترك المتوفى ما ترك المتوفى
تقع على الاثنين فساعدوا لاختار من المراتع واحد ولهذا ورد في الكفا والتهديب
وغيرهما في فقر واحدة من الرايات عن الصادق عليه السلام انه لا يحب الامم من الثلث
الاخوان وان اختار اخوات وورد ان الاخوة من الامم فقط لا يجيئون الامم
عن الثلث وان الاخوة والاخوان لا يرون مع الابوين وان الوجه فيه ان العرب ينفق
عليهم فوفروا بغيره من بعد وصية يوصي بها او دين يعني هذه الانصاف بعد الامرين

انكنا

في قوله بوجوبكم الله والعتاشي عن الباقر ع الصادق عليهما السلام
تختصم الآية العنصرين وفي رواية عن الباقر عليه السلام انه سئل من هو الذي لا اذله
فاعطيهما قولنخر الوجوب لا ينافي بقاء الجواز والاختيار وقدم نظيره في سورة البقر
وليش الذين لو انهم لم يخلوهم ذرية خيرا فاحوا عليهم امر بان يغشوا الله ويتقوه
في امر البتاني فيقولوا بهم ما يكون ان يفعل بل وادهم الصغار بعد وانهم في الكفا
والعتاشي عن الصادق عليه السلام من علم بتمامه اسلم الله عليه من بطله او عتقه
او على عقبه عتبه ثم لا هذه الآية يلتزم والله في امر البتاني وليقولوا لهم تولا سدي
مثل ما يقولون لا ولاهم بالثقة وحسن الادب ان الذين ياكلون اموال البتاني ظلموا
انما ياكلون في بطونهم نادا ما يجزى لما تاد وسبيلون سراج يدخلون نادا وادي ناد وقرني
بغم الياء وصلوا لنا معاشا حراما وحيله شريرة والاسلحة الا لقتلها وسعها لاد
البتاني في الفقيه عن الصادق ع اكل مال اليتيم سلخه وبال ذل في الدنيا والاخرة
امانة الشياطين الله يقول ولجش الذين الاية وما في الاخرة فاما الله يقول ان الذين ياكلون
الاية والقي عند عتبه ع قال قال رسول الله صلى الله عليه واله لما استر في آل البيت
رايت قوما يتخذون في اموالهم النار يخرج من ادمهم فقلت من هؤلاء يا جبريل فقالوا
هؤلاء ياكلون اموال البتاني ظلموا في الكفا عن الباقر ع ان اكل مال اليتيم يجي
يوم القيامة والنار تلتهب في بطنه حتى يخرج لهها النار من فيه يومئذ اهل الجمع
انه اكل مال اليتيم بوجوبكم الله بامرهم ويعتد اليكم ويفرض عليكم في الاولاد في ثلث
مراتم للذكر مثل حظ الانثيين اذا اجتمع الصفات والعلة فيه ما في الكافي عن الباقر
عليه السلام الثمن رجوع عيا لعلهم وفي الفقيه عن الصادق عليه السلام لما جعل
لها وفيها عنه عليه السلام لانه ليس عليها جهاد ولا نفقة ولا معقلة وعتقها
فان كان انشاء ليس معهن ذكوة ثوب ثلثين فلهن ثلثا ما ترك المتوفى عنكم وان كانت واحدة
وقري بالفتح ثلثا التيمم ولا يوتي ولا يوتي ولا يوتي المتوفى لكل واحد منهما الثلث من ثمنها
ان كان ذكرا كان اربعة واحدا كان اربعة لم يكن له ذكوة ثوب ثلثا ما ترك المتوفى
ما ترك ذكرا كان له اخوة فلهما الثلث من ذكوة ثوب ثلثا ما ترك المتوفى ما ترك المتوفى
تقع على الاثنين فساعدوا لاختار من المراتع واحد ولهذا ورد في الكفا والتهديب
وغيرهما في فقر واحدة من الرايات عن الصادق عليه السلام انه لا يحب الامم من الثلث
الاخوان وان اختار اخوات وورد ان الاخوة من الامم فقط لا يجيئون الامم
عن الثلث وان الاخوة والاخوان لا يرون مع الابوين وان الوجه فيه ان العرب ينفق
عليهم فوفروا بغيره من بعد وصية يوصي بها او دين يعني هذه الانصاف بعد الامرين

انكنا وقرني على البناء للمفعول وللفظة او لا موجب القريب وفي الجمع عن امير المؤمنين ع انكم
تقررون في هذه الآية الوصية قبل الذين وان رسول الله صلى الله عليه واله قضى بالذين
قبل الوصية قبل قدم الوصية على الذين وهي متأخرة في الحكم لانها استتعت بالمرث بقولنا
على ان ورتة اباؤكم واننا لكم اباؤكم اباؤكم اقرب لكم تفعا يعني لا يحلون من انفع لكم مثل
حوكم وفروا عنكم في عاجلكم واجلكم بين يديكم ورتة امين او من منهم فخرجكم للثواب ايضا
وصية ام من لم يوص فرتة عليكم ماله او من وصيته له فرتة عليكم ماله من لم يوص له فرتة
فخر وانهم ما وصيكم الله به ولا تعد والى تبدل الوصية وتفصيل بعض وظاهر ما
بعض فهو امر اضيق من ان لا يوصيكم الله وتفصيل الوصية فرتة من الله مصلد ومؤلفا
كان عليا بالمصالح والرتب حكما فيما قضى وقدر لكم نصف ما ترك ان اترك لكم من
لهن وكذا فان كان لهن وكذا لكم الربع مما ترك اي وله وارث من بطنها او من صلبها
بينها وبينها بما عا وان سئل ذكر كان او اني منك او من غيركم من بعد وصية يوصي
بها او دين ولكن الربع مما ترك ان لم يكن لكم وكذا فان كان لكم وكذا فلهن الثمن والارث
من بعد وصية يوصي بها او دين فرض للرجل بقى الزواج ضعيف ماله في كفا في التفسير
والعلة هنا العلة هناك وتحتوي الواحدة والعدد اثنين في الربع والثلث وان كان كل
يؤثر كلاله لهذا الكلام وجوه من الارباب لا يقتضي بها الحكم والكلالة القرابة ويطلق
على الوارث والموت فترتبه الكافي من الصادق ع من ليس بولد ولا والداي القريب
من جهة العرض لا الطول والمراد بها هاهنا الاخوة والاخوان من الامم خاصة وفي
الافري من الاب والام والاب فقط كذا عن المعصومين عليهم السلام او امره كذا
وله لكل واحد منهما قبل اي وللرجل الثلث عمنه من حكم المرأة لالة العطل على ثلثي
فيه اثنا واختر اي من الام فلكل واحد منهما الثلث من ثمنها كذا في الكافي عن الباقر
في الثلث سوى بين الذكر والانثي ههنا لان الانتخاب بخلاف الامومة من بعد وصية يوصي
بها او دين وقرني على البناء للمفعول غير متعارف لورقة الزارة على الثلث وان قصد
الاخوان بعد دون القرية او غير يدين بالزمه وصية من الله والله يعلم بالمصا وغيره
لا يجعل بعقوبته تلك اشارة الى ما تقدم من الاحكام في امر البتاني والوصايا والمواثيق
والله الحمد لله الذي لا يحقر تقارن ما ومن بطع الله ورسوله يدخله جنة من غفر له
خالدين فيها وذلك القود العظيم ومن يعص الله ورسوله وينفذ وصية الله يدخله ما شاء الله
فيها وله عذاب عظيم شحيه القير في يد خله وجع خالدين للفظ والمعنى وقرني يدخله
لنقوة ان قيل ان الله سبحانه لم يبين حكم البتاني في الفرائض ولا حكم الفرائض فانقصت
الترك من التمام او اذات عليهما قلنا لا خير فقد بين اهلا بيت عليهم السلام ذالك

في قوله بوجوبكم الله والعتاشي عن الباقر ع الصادق عليهما السلام
تختصم الآية العنصرين وفي رواية عن الباقر عليه السلام انه سئل من هو الذي لا اذله
فاعطيهما قولنخر الوجوب لا ينافي بقاء الجواز والاختيار وقدم نظيره في سورة البقر
وليش الذين لو انهم لم يخلوهم ذرية خيرا فاحوا عليهم امر بان يغشوا الله ويتقوه
في امر البتاني فيقولوا بهم ما يكون ان يفعل بل وادهم الصغار بعد وانهم في الكفا
والعتاشي عن الصادق عليه السلام من علم بتمامه اسلم الله عليه من بطله او عتقه
او على عقبه عتبه ثم لا هذه الآية يلتزم والله في امر البتاني وليقولوا لهم تولا سدي
مثل ما يقولون لا ولاهم بالثقة وحسن الادب ان الذين ياكلون اموال البتاني ظلموا
انما ياكلون في بطونهم نادا ما يجزى لما تاد وسبيلون سراج يدخلون نادا وادي ناد وقرني
بغم الياء وصلوا لنا معاشا حراما وحيله شريرة والاسلحة الا لقتلها وسعها لاد
البتاني في الفقيه عن الصادق ع اكل مال اليتيم سلخه وبال ذل في الدنيا والاخرة
امانة الشياطين الله يقول ولجش الذين الاية وما في الاخرة فاما الله يقول ان الذين ياكلون
الاية والقي عند عتبه ع قال قال رسول الله صلى الله عليه واله لما استر في آل البيت
رايت قوما يتخذون في اموالهم النار يخرج من ادمهم فقلت من هؤلاء يا جبريل فقالوا
هؤلاء ياكلون اموال البتاني ظلموا في الكفا عن الباقر ع ان اكل مال اليتيم يجي
يوم القيامة والنار تلتهب في بطنه حتى يخرج لهها النار من فيه يومئذ اهل الجمع
انه اكل مال اليتيم بوجوبكم الله بامرهم ويعتد اليكم ويفرض عليكم في الاولاد في ثلث
مراتم للذكر مثل حظ الانثيين اذا اجتمع الصفات والعلة فيه ما في الكافي عن الباقر
عليه السلام الثمن رجوع عيا لعلهم وفي الفقيه عن الصادق عليه السلام لما جعل
لها وفيها عنه عليه السلام لانه ليس عليها جهاد ولا نفقة ولا معقلة وعتقها
فان كان انشاء ليس معهن ذكوة ثوب ثلثين فلهن ثلثا ما ترك المتوفى عنكم وان كانت واحدة
وقري بالفتح ثلثا التيمم ولا يوتي ولا يوتي ولا يوتي المتوفى لكل واحد منهما الثلث من ثمنها
ان كان ذكرا كان اربعة واحدا كان اربعة لم يكن له ذكوة ثوب ثلثا ما ترك المتوفى
ما ترك ذكرا كان له اخوة فلهما الثلث من ذكوة ثوب ثلثا ما ترك المتوفى ما ترك المتوفى
تقع على الاثنين فساعدوا لاختار من المراتع واحد ولهذا ورد في الكفا والتهديب
وغيرهما في فقر واحدة من الرايات عن الصادق عليه السلام انه لا يحب الامم من الثلث
الاخوان وان اختار اخوات وورد ان الاخوة من الامم فقط لا يجيئون الامم
عن الثلث وان الاخوة والاخوان لا يرون مع الابوين وان الوجه فيه ان العرب ينفق
عليهم فوفروا بغيره من بعد وصية يوصي بها او دين يعني هذه الانصاف بعد الامرين

الله الفجا جانا لادالة في الاله عليه عوا ذكوت عن الغم الشاك كما يقع كثر من نظائره
من مجلات القرآن واما العصر ليد لول عليه بلفظا ثانيا فلان في الاخبا لادالة لاد
القول غير التفضل في الفقيه قال رسول الله صلى الله عليه واله في خر خطبة خطبا
من تاب قبل موته سنة ما لله تاب الله عليه ثم قال واة السنة كيرة ومن تاب قبل موته
بشهر تاب الله عليه ثم قال واة الشهر كيرة من تاب قبل موته بيوم تاب الله عليه ثم قال
واة الساعة كيرة من تاب وقد بلغت نفسه هذا وهو في حلقه تابا لله عليه
وفي الكافي ما يقرب منه وذكر المحقق ايضا في ليد اخره من تاب قبل ان يعان قبل الله
توبته وفي رواية العامة من تاب قبل ان يعان بها تاب الله عليه وفي رواية آة ليس
لما مضى قال وعزتك عظمتك لا يورق ابر ادم حتى يفارق روحه بسا قال الله
بجانه وعزته وعظمتي لا احبب التوبة من عبيدي حتى يعز بها في الكافي
عن الصادق عليه السلام انا بلغنا لنفس ههنا ولسان بيد له حلقه لم يكن العا
توبة ثم قرأ هذه الآية وفيه واعيا لحي من اباقر عليه السلام شله فذا وانك
لبا هلي بقا قول لعل التوب في عدم قول التوبة من العالم في ذلك الوقت حصول
يا من الحيوة بامارات الموت غلات انما هل في لا ليا من الامن معانية العيب
قبل ومن لطفا لله تعالى بالعباد ان امره بقول الارواح بالاشارة في زمعها من
اسابع التجلين ثم بعد شيئا انما يصل المالصدا ثم ينهي له اعلى ان
في هذه المجلد من الاتيان بالقلب على الله تعالى والوصية والتوبة ما لم يعان
الاختلال وذكر الله بجانه فخرج روحه وذكر الله على لسانه فخرج بذلك حسن خاتمة
ورزقنا الله بذلك مته في ذلك يتوب الله عليهم وبعد باو فاعا وعده وكتبه
نفس من قول التوبة وكان الله عليا يعلم اخلاصهم في التوبة حكما لا بعا فلتا
وليت التوبة للذين يعملون النيات اذ احضر احد فوال ان بيت الا ان
الفقيه عن الصادق عليه السلام انه سئل عن هذه الآية فقال ذلك انما يعان
الامر الاخر ولا الذين يتوبون وهم كفار سوى بين من سوف التوبة بالمعصود
الموت من النفسنة والكفارة وبين من مات على الكفر في نفس التوبة بالبالغة في عدم
الاتقاد به في تلك الحالة وكان قد قال توبة هو لا سواء وقيل المراد بالذين يعلنون
الشوة عصاة المؤمنين والذين يعلنون النيات المناقون تضاعف كثرهم وسواء
اعمالهم وبالذين يموتون الكفار اولئك اعتد الله قتلها بالاعمال لعدم قبول
توبتهم وبيان لهجة عدلهم وان بعد توبتهم من شاء يا ايها الذين امنوا لا تجعل لكم
ان قرعوا لسانكم فاعرفوا بالغم القوي من الباقين كان في لما هلية في اول ما اسبوا

البركة من تابة توبته
في كتاب الله عليه السلام
وارة

توبة من تاب قبل موته
بشهر تاب الله عليه
ثم قال واة الشهر كيرة
من تاب قبل موته بيوم
تاب الله عليه

سنة قبال

في قبال العرب اذ امانة جميع الرجل وله امارة التي الرجل توبه عليها فوث تكلمها بمصادف
جميعه الذي كان احد فها برت تكلمها كما رث ماله فلما مات ابو تيس بن الاشلت
التي محسن بن تيس فوبه على امارة ابيه وهي كيرة ابنة معتر بن سعيد فوث تكلمها
بم تركها لا يدخل بها ولا ينفع عليها فاة رسول الله صلى الله عليه واله فقالت
يا رسول الله مات ابو تيس بن الاشلت فوث ابنة محسن تكلمها فلا يدخل علي
ولا ينفع علي ولا يخل سبيل فاعتق باي قال رسول الله صلى الله عليه واله ارجع
الي بيتك فان عدت الله في شاك شيئا اعلمتكم نزل ولا تنكروا ما كنتم من القارة الاما
قد سلفا قد كان ناسخة ومقتا وساء سبلا فظقت باهلها وكان توبته المدينة فذبح
تكا حن كما وث تكلم كيرة فارة ورثه في الايام نزل يا ايها الذين امنوا لا تجعل لكم
ان ترثوا القسامة هاو العياشي عن الصادق عليه السلام في هذه الآية تالا تجلين يكون
حرم التوبة فنعها من التوب من يقربها يكون في سبيل في الحرام من الباقين انما نزلت في الرجل
يعمل المارة منه لاجابة له اليها وينظر موها حتى يرثها لا لا تشكوهن ولا تحبوهن
اخر ادا برت ليل فبوا بعض ما يتصور العياشي عن الصادق عليه السلام قال الرجل
تكون له المرأة فوضر بها حتى تقتدى منه في الله عن ذلك وفي الحرام منه ان المراه
ان زوج امره الله سبحانه فبها اذا لم يكن في حاجه وان لا يسكنها اضرار بها حتى يقتدى
ببعض ما لها الا ان ياتين بفاحشة ميتة طامر كالتشوق وسوء العشرة وعدم التقف وفي
الجميع من اباقر عليه السلام كل معصية وفي الكافي عن الصادق عليه السلام اذا نزلت في الرجل
لك من جنابة ولا تترك قسما ولا وطن فراخ من تكرر حل له ان يخلعها وحل لهما اخذ
لها وقا في ومن المعروف بالانصاف في الفعل والاجمال في القول فان كرمهم
عسى تتركها وانما يجعل الله في رجوع كيرة في حرمها عليه ولا تقار توبته كرامة الا
نفس في ما كرمها نفس ما هو اهل في الدين واحدا استبها هو غلانه وان اذنت ايتها
في مكان في رجل في امرأة وزوج اخو واية احد من فبها اذا ما لا كرامة الا اخذ وامر من
القطار ربا في الجميع فبها عليه السلام القطار شيئا في الجميع فبها عليه السلام
القطار ملوسك فوبهها انك ونه بها نا واة اميها الكارون في نيل كان الجبال اذا
اذا ربي بيه بها الله على غته فبها حتى يلجها له الا ان توبهها اعطاها ليه في له
من في الجبل بيه بها من ذلك وكيف تأخذ ونه وقد افتر بعضكم الى بعض في الانشاء الجا
واخذن منكم بفا في غلطا عهدا وثيقا في الجميع عن اباقر هو العهد لما حو في الرج
حالة العقد من اساك جمع وقت اوسر في باسان في الكافي والعيال في غلطا عليه السلام
الفا في الكلفة التي عقد بها التكا والغلط هو ما الرجل يفيض بها اليها ومن اليهم

البركة من تابة توبته
في كتاب الله عليه السلام
وارة

توبة من تاب قبل موته
بشهر تاب الله عليه
ثم قال واة الشهر كيرة
من تاب قبل موته بيوم
تاب الله عليه

ملینہ

مدنيه وديانك شافقة تركية فقال ابوحنيفة وايه الميثاق ايمان تنطق ببيعة المنة فقالوا له
قد ثبت الصلح بغير ميثاق فقال ابوحنيفة من اين قلت ذلك فقال ابوحنيفة اوانه بسلامة المسلمين
فترجى بامره من اهل الكتاب تركت فيها ما تقول فيها لا لادراك منه فقال قد ثبت الصلح بغير
ميثاق ثم انما في رواية والصلح عليه السلام انه مثل ابوحنيفة من المنة فقالوا اني المنة
قال لا واسطعن منعة اية كسفيان من منعة القضاء اية فقال ما كان الله امانا كسفيان
فما استعتم به منته وتورث ابوحنيفة رضيته فقال ابوحنيفة والله كسفيان اية لم يفرها
قدا وفي الفقيه عليه السلام ليس مقام من يؤتمن بكنهه ولا يتحل بيعتنا ولا لكونه الوصي
وهو الخائن الما ثبت عنهم عليه السلام من وجوعهم الى الدنيا مع جماعة من شيعتهم
في زمن القائم عليه السلام ليصروا وقد مضت الاشياء اليه فيها سلف وياق اخيادنا في
انشاء الله تعالى ومن لم يمتنع بك كذا في كل الجهم الباطل من بيع الحسنات الملو
شاة يعني اعراس فمن ما ملكك اياهم من شيائكم الموثبات يعني الاموال في الكفا عند
عليه السلام انه سئل من الرجل يترجى في الامنة قال لا الا ان يرضى اياه ويؤمن بالبيعة
لا يفيق ان يترجى لغير المملوك ليعوم التحاكم قال لا كيف قال لا تعالى ومسلم يسطع حكم
ولا ولا القول المهر ومعهم اعراسهم ولا يملك الامنة اذ لم يفسد عليه الصلح يترجى في الامنة
ولا يترجى في الامنة ولا يملك الامنة في الامنة والحد وان جعلت عليه كسفيان وائمة
ظلمة يومان ولا تامة يوم ولا يبيع الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة
بلا امر الايمان فانه اهل الشرائع ويتفاضل ما بينكم في الايمان فامة افضل من غيره في
اعتبار بفصل نائب معه بعضكم في بعضي اتم وعما فيكم تتساوون لكم من ادم وبكم في
فالكوفة ياذن اهلهم في الفقيه والقياس من الصلح عليه السلام انه سئل يترجى
الرجل بالامة بغير علم اهلها قال هو من كان الله عز وجل يقول فاحكم من اذن اهلهم
في الكفا في عدم الايمان من يتجمل بالبيعة اية وامة اهلها لا يبيع الامنة ولا يملك الامنة
ما بينه وبينه واقره ابوحنيفة في الفقيه يترجى في الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة
في الامنة يترجى في الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة
بني الهزم والصلح في اية يترجى في الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة
الكتاب يعني عندك انما قال وليعهد فيها ما لمائة الف يعني في البيد والاموال الا اذا
فترجى في الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة
القامة يقتلون قال الصلح عليه السلام واخصار يقتل في القامة لانه رجة
ان يبيع عليه ويقال في المرق وحده المرق والكله ملية معناه الصلح ومعن الباطل
في الامنة ترقي قال بقل نصف حقه كان له ان يبيع ويترجى في الامنة ولا يملك الامنة ولا يملك الامنة

فحينئذ نفعل له بعد وتبعضه ارحم والقول والفرقة المبررة ذاك ومعنى العبد الغرض الفاعل اي
الكلية وبالجملة كما في ان الشاؤف عليه السلام العبد الغرض الفاعل اي
على حق ارحم سلم طه حسن ماله يدا انما سبقت غور لا انها تنفس صاحبها في الاثم
قياس ان الكبار الى الشما اقرى بالبيع في الجمع من الاحياء الى المعاش كلها ولكن
بعضها اكبر من بعض وليس في الذنوب صغيرة وانما يكون صغيرا بالاضافة الى ما هو اكبر
واعتاق العاقب عليه اكثر ذيل وتوفيقه مع الآية ان يقال من حق لادارة ودعت بعض
اليها عيش لا لقا فكذلكها من اكبر كثر عنده ما اركبه لما استحق من الثواب على اجتهاد
الاكثر كما اذا تشره النفس بنبوة والتبديل في كفى بالنظر عن التبديل ولعل هذا يتفاوت
ايضا باعتبار الاغراض والاحوال في حركات الارباب من حيث المقتضى ويؤخذ المختار
بما يعض عن المختار في قول ظاهر الايات والاشياء والورد في تفسيرها وتفسير الكبار من
صاحبها كما لا يخفى من تامل فيها وما فيه في الجمع الى صاحبها لاستدله وقول الموفق
يعطى اذ من كذا كل تامل احد قطع اطرافه كان قطع اطرافه مكفرا فلا يدل كلامه وكلام
الاصحاب من توجيه حتى لو افقوا الظواهر ولا شتموا ما فاقوا الله به بعضه كذا بعض
من الامور التي يتوفاها كاجاء والمال لعل مدد خير في الجمع عن اتفاق عليه الله
اي لا يقل احد كليت استطيع ما اعطى فلان من المال والنجدة والمرأة الحسنة كان في
ذلك يكون حسدا ولكن يجوز ان يقول اللهم اعطني مثله في الخصاكن من غير تمييز لغيره بان
عن الله حلالا لله عليه واله من حق شيئا وهو الله تعالى يعني لم يخرج من الدنيا بيطاء
للايمان تعجب وما الكبر للشيء تعجب مما اكشبهن بانه لئلا الله اي لكل من الرجال لعاثا
فمنع وتعجب بيب مما اكشبهن بانه لئلا الله ومن اجله في طلب الفضل بالعدل بالاحسان والشفقة
واسئل الله من فضله اي لا تمنوا ما للناس واستكوا الله من فضله اي مثله من خيرات
التي لا تشغف والى الفقيه عن النبي صلى الله عليه واله انه الله تبارك وتعالى استي شيا لفضله
وافضله خلقه بعض عز وجل خلقه المسألة واحتبس نفسه ان يشال وليس شيء احب اليه من
ان يشال فلا يخفى حدك ان يشال الله عز وجل من فضله ولو شئ عقل وفي الكافي
عن الصادق عليه السلام من لم يشال الله من فضله افتقر وفيه والعتا عن الباقر عليه السلام
ليس من نفس الا وقد فرغنا الله عز وجل لها ردة حلالا لا يما فيها في عافية وعزها بالعلم
من وجه اخر فانها شئت شيئا من الهرام فاشبهه من اخلال الذي فرغها لها
عند الله سواها فبذل كبر وهو قوله عز وجل واسئله من فضله والعتا عن النبي
ما يقرب عند وعن الصادق عليه السلام ان الاذاق مفعولة معروفة والله فضل يفضله
من طبع الفخر الى الملوك انفس وذلك قوله واسئله من فضله ثم قال وذكر الله بعد طلوع الفجر
المع

والله اعلم
بما ليس

الكل في هذا الزمان من الشرب في الارض ان الله لكل شيء عليم فهو يعلم ما يشقه كل احد
وكل واحد يعلم ما الى مما كرهه الواهين والاذيون اي لكل واحد من الرجال والنساء
جعلوا ودفعة هم اولي ابرائهم يرضون مما تركه الوالدان والاقربون المورثون او كذا جعلنا
مما تركه وورثته الوالدان والاقربون في الكافي عن الصادق عليه السلام انما عني بذلك
الارحام في الواويع ولم ينع اولياء القربة وليس باليت ابراهيم الميراث من القربة اليها
والذين عدت ايتانكم نوهي نصيبهم فيل كان اجد بعاق الرسل يقول من ذلك وهو
وعددهم من حويل حويل وسلي سلك وقربى وامرك وتعدل حتى واعقل منك فيكون
للحليف الشدس من ميراث الخليف تفضي قوله واولد الارحام بعضهم اولي ببعض الاولي والاولاد
فخت قوله والذين عدت وقيل معناه اعطوه نصيبهم من انفس والعقل والارث ولا
ميراث ولا يخفى وفي الكافي عن الصادق عليه السلام اذا اولى الرجل وله ميراثه وعليه مقلته
يعني ذنبه جنازة خطاه وفيه والعتا عن الرضا عليه السلام عن بانه الاية عليهم السلام هم
عقد الله عز وجل ايمانكم ويؤيد هذا ما سبق في الاية من سورة البقرة ان صاحب هذا الامر
في اموال الناس حقا وقربا عاقبت اي عاقبتكم ايديكم بما يحق لهم ان الله كان على كل شيء
شقيدا فهد يد على نصيبهم من اموالهم فواتون على النساء فيكون عليهن قيام الولاية على
رعيته بما فضل الله بعضهم على بعض بسبب تفضيله الرجال على النساء كما لا العقل وحسن النطق
ومن بالبقوة في الاعمال والطاعات والنفوس من اموالهم في تكاثرهم كالمهر والمفقة
في العدل عن النبي صلى الله عليه واله شكل ما فضل الرجال على النساء فقال لفضل الما
على الارض في الما مجي الارض وبالرجال على النساء ولولا الرجال لما خلقت النساء
فتم تلا هذه الآية ثم قال لا ترى الى المتأمر كيف يحسن ولا يمكن له العبادة من القادة
والرجال لا يصحهم شيء من الخلق والصفات في ثبات التي عن الباقر عليه السلام يقول
مطيعات حائضات للرب في انفسهن واموال ازواجهن في الكافي عن الصادق عليه
السلام عن ابائه عن النبي صلى الله عليه واله ما استفاد امر مسلم فانه بعد الاسلام افضل
من زوجته مسلمة ثم انظر اليها وتطبعه اثارها وتحتفظه انما غاب عنها في نفسها
وما له ما حفظ الله حفظ الله ابا من والابن فاقون في ترفعهم من طاعتكم و
عصا نهم كم تملكون بالقول والامر وهو في المتصالح ان لم تهم العقل في الجمع من
الباقر عليه السلام يقول في اليها واضربوهن ان كم يقع الفخر في غير يدي
لا يظلم لها ولا يكره عظم في الجمع عن الباقر عليه السلام انه الضرب بالتواك في انكم
فما علكون بها بالوحي والايان ان الله كان عليا كبرا فخذوه فانه اقر عليكم منكم
على من تحت ايديكم وانتم شقاق بيننا اي الاختلاف عدم الاجتماع على كذا كل واحد

والله اعلم
بما ليس

والله اعلم بالصواب

الصلوة افسر احدهما
اقم الصلوة ثم

هو

هو اقصاب وهو الموالي زماناً من الاجابة هذا الباب كما دلت الاماكتة العاشر
تارة بان المراد بالقتولة في سده هذه الآية مواضعها وهي الخندق بقرية عابري سبله
وانرى باق المراد بعابري سبل حاله القتل وذلك ان المراد بالماء وتتم به قريته حتى
تعلوا ما تعلو وان كان ذلك مرقعاً يدل بعني مرقعات في نفسه باستعمال الماء والى
محول اليه اقول الحاجة الى هذا التنبيه لان قوله تعالى الخندق والماء متعلق بالجدل
الاربع وهو يشمل عدم التمكن من استعماله لان المنع منه كالمنع من الماء وكذلك تنبيه
القتل بعدم وجدان الماء وهما مستلزمان من التوصل الى مقتضى الآية اولاً على ان
منسحب به انما غالب نقداً للمادة ذكر القدر اقول ثانياً في تنبيه على الخلق المتكبر
المتخلف من الارض كانوا يقصدون لذلك سكا خفصت فايقب فيه انما صمم على ذلك
اولاً في قوله التي وقرب السام كناية من الجماع كذا في الجمع من اير الى مدين عليه السلام
وقد التفت الى العائش عن الاستلام عليه السلام وهو الجماع وكذا الله سبحانه والكثير
ولم يمتع كما يتصور من القرائة عليه السلام في هذا التسمي التمام الا بالواقعة
في الفرج من ذوات ايقظ والى ذلك ان الله سبحانه كرم يعتبر من مائة الف النساء جلاسا
سبعين ليلة في مقامه ولم ينفقه ذلك من استعماله كما سبق سمعوا معجداً
طيباً ثانياً وازا باطل وفي العائش عن الصادق عليه السلام التسمي الموضع للفق
والطيب الموضع الذي يحد منه الماء وقيل التسمي وجه الارض زيا كان او غيره
فيكون التسمي على البحر التمدد ويدفعه من لقن قوله سبحانه في الماء انما هو ابوهم
وايدى يكم مديان من بعضه ويجعل من لا بد والعاية تعسف ان لا يمد من مثله الا القليل
وقد روي بعض الاجناد تغريبه بما ياتي من عهده من الحديث قوله صلى الله عليه واله في
معرض التسمي والتخفيف وبيان انسان الله سبحانه عليه وعلى هلم الآية الموسومة في
احدى الزوايين جعلت الى الارض سجداً فمرا لها طوعاً وتلكا من سلطان الارض لمهوا ثالثاً
ذكر الزايات على ان بيان الكلام على الغرض الموقر لكان مقتضى الحال ان يقول جعلت للمرء
سجداً ولمهوا كما في الزايات الاخرى انما هو ابوهم كما ياتي في الكلام في ايراد قوله تعالى
في التسمي لله في المادة ثانياً وسع الوضوء ان لم يجد الماء اثبت بعض الفضل على الارض
بوجوهكم ثم وصل بها وايدى كقول بنده عليه السلام بما فعل بعدم وجوب استعماله
واليدى بانما كما تتعده العائش وانه الباء بنده للتجسس وبيان قام المنة انما الله
عليه السلام في سنة التسمي الله ومنع كيدية الارض فخرج وجهه وكيدية ولم يمتع الله
بشي وعين الصادق عليه السلام وصفت التي تغرب بيد به على الارض ثم دفعها فنفخها
ثم سم على جنبه وكيدية مرة واحدة وفي روايته ثم سم كيدية احد لماعظه الاخرى ومن

五

كانت به جوده فكأنها في عواباق عليه السلام أضربا بالودع فنه من لقا الله عز وجل كمال الوفاء
 له عند الله فكان الله عز وجل يقول من يطع الله ورسوله وترك ما في نفسه من فساد البقاء
 وما استصحب من القداء والفساد فله من الصادق عليه السلام المؤمن ومؤمنان من
 ولى الله عز وجل البقاء بهما عليه فذلك مع البين والصدقين والتهاد والهاشميين
 حسن الملك ونقا وذلك من شيع ولا شيع له وذلك من لا يسيبهم أموال الدنيا
 احوال الآخرة ومؤمن زلت به قدم فذلك كما حقه الزعم كفيها كقصة الرجل الكليل وذلك
 من يبيبه احوال الدنيا واهوال الآخرة وشيع له وهو على خير وفيه والهاشمي عليه
 السلام بعد ذكر كماله في كتابه فقال اولئك مع الذين انعم الله عليهم الاية فزولوا في
 الآية البين وعن في هذا الموضع السدي يقولون والتهاد وانتم الصادقون فثبتوا بالصلوة
 كما سلككم الله والهاشمي من الرضا عليه السلام خلق على الله ان يجعل وليا وبقا للبين
 الصادقين والتهاد والهاشميين وحسن اولئك وهو في باقي الاية من ان الله سأل الله
 لكل احد صديق وقد وردت وصديق هذا لانه ودعوا عليا بن ابي طالب عليه السلام ذلك
 افضل من الله فتقبل عليهم من الله تعالى اجمع وكفى ما عليهما عقابا افضل باحتقار
 اهلها اجمع الذين انما وجدوا حرمهم فحفظوا واسعدوا والامه والحمد لله والحمد لله
 يقال الله عز وجل انما حفظ وحفظ من المؤمنين كما جعلنا الحد الذي على عطف بها فنه والحمد لله
 من الباقر عليه السلام الذي اسلم حتى اسلم الى حد لا يات بها حتى الحد وقد ورد في هذا
 الحماد هذا في غير مواضع الا في هذا الموضع فثبتوا بالصلوة والهاشميين
 جميعين كركبة واحدة ولا تخافوا ولبي الجمع من الباقر عليه السلام الذي اجمع كركباتكم
 من يدين محمد والين والصدقين وهم الانبؤة في الامامات من كركباتكم فثبتوا بالصلوة
 يعني فقام الله عز وجل انكم معهم شيئا من كتابكم فكذلك رسول الله صلى الله عليه وآله
 ما فتونهم فاختاروا من الجاهل من يطاعني بها وهادم او يطاعني بها
 يعني من اهل الامام ابي عبد الله من الصادق عليه السلام لولاه هذه الكلمة اهل الفرق
 والذين كانوا بها خارجين من الامام ولكن الله قد سمعهم مؤمنين باقرارهم في طاعة سائر
 مؤمنين كركباتهم ودين الامامات فضل من الله كقوله في قوله عز وجل انما يدين الله
 باقامه دينكم ودينه مودة اعراض بين القول والقول بالدين اجمع ما ترون فزولوا عن
 بقية بالآخر ارض طرئ عقيبهم وادعوا لهم هذا قول من لا واسطة بينكم وبين
 اقرارهم بل ان يكون معكم في المال فليناقض في سائر الله عز وجل عليه اية الدنيا والآخرة
 يعني الخالصين بالادب انفسهم في طلب الآخرة ومن يقابل في سائر الله عز وجل والحمد لله
 يؤيد اجر عظيم قبل افعاله وعلله الاجر العظيم عليا وعليه من افاض الله عليه من فضله

بریفاروون

يصلون الآية ولو شاء الله لسلطهم عليكم ان قوت المؤمنين ويطعنهم وهم وانما الرتب
عنهم لئلا تلوك ولم يكتفوا عنكم في ارضكم بل يفتكروا ان لم يشرعوا لكم وانما الرتب
الاستسلام الانقياد فما جعل الله لكم عليكم سبيلا فاذن لكم في انفسهم وتعلم ان في العباد
عليه السلام كانت البرية من رسول الله عليه واله قبله من اول سورة براءة الا يقال ان
ولا يارب الا من حادبه واذا قد كان ذلك من الله عز وجل فان اعزكم الله فليعلموا
والفوا اليكم فما جعل الله لكم عليكم كان رسول الله عليه واله لا يقتل احد منكم
منه وانتم له حتى نزلت عليه سورة براءة وامر بقتل المخربين من اعزله ومن لم يعزله الا الله بن
فكان عاهد رسول الله صلى الله عليه واله يوم فتح مكة الى من منهم صفوان بن امية وسهل بن
الحديث وهو مذكور بعامه في سورة براءة من اخير من يردونه ان يسلطوا عليكم واما من اقيم
يقل كما يظهر من الاسلام ليا من المسلمين نذا نرجعوا الى قومكم فربما في الجميع والفتار عليه
السلام نزلت في صبيحة بن خبيص الغزالي ابي بلياذع فاء الى رسول الله صلى الله عليه واله
واذنه على ان يقيم بين قتل ولا يشره له فكانا متناحرا ملعونا وهو الذي سماه رسول الله
عليه واله الاحمق الحمار القوي ثم كذا في الحديث دعوا الى الكفر والى قتال المسلمين وكذا
فيها عاهدوا اليها ففتح كتب من لم يعزكم فليعلموا اليكم السلام يفتكروا ان يسلطوا عليكم
فان لم يعزكم هؤلاء فتاكم ولم يسلطوا لكم ولم يكتفوا ايهم من فتاكم فتدوهم فترى هم
وامرهم حيث يقعهم حيث يفتكروهم كما وانكم جنتكم ان عليهم سلطانا كائينما
وجهة واحدة في ارضهم بالقتل والشيء لظهور عدوهم وكفرهم وعزهم وما كانوا يملكون بها
من المؤمنين ولا استقام له وما لا ياق عاله ان يقتل مؤمنا بغير حق الا خطا لا تدفع عرشه الخطاء
والقبيح بين ولا خطا في الجميع من اباة عليه السلام نزلت في عياشي بن ابي ربيعة الخزرجي
اخى ابي جهل لانه كان اسلم وقتل بعد اسلامه مسلما وهو لا يعلم باسلامه وكان الضو
الحارث بن يزيد ابو عبيدة الحارثي قتله باخرة بعد الهجرة وكان احد من ردة عن الهجرة وكذا
بعد عياشي ابي جهل فمن قتل مؤمنا خطا غير رقة فعليه عزم رقة مؤمنة
فيما بينه وبين الله كما من الصادق عليه السلام رداء العياشي وفي كتابه والعياشي عنه
كل الحق يجوز فيه الملوذ الا كفارة القتل فانه عز وجل يقول عز وجل رقة مؤمنة يعني
بدنك مقصرة قد بلغت الحنث والعياشي من الكافر عليه السلام سئل كيف تعز المؤمنة
قال على الفطرة ودية مسكاة الى ماله مؤنة الى وليا المقتول الا ان يقتل مؤمنة قوا
عليه بالدية حتى العفون الدية صدقة حقا عليه ويقتلها ط فقتله وفي الحديث كل معروف
صدقة العياشي سئل الصادق عليه السلام عن الخطا الذي فيه الدية والكفارة هو الرجل
يضرب الرجل ولا يقتله قال نعم قيل فماذا في شيئا ما صاب رجلا قال فانه الخطايا الذم

في سورة براءة

في سورة براءة

لا مثل

اشك فيه وعليه الكفارة والدية فان كان من قوم عدوكم وهو مؤمن فترى رقة مؤمنة
في الفدية من الصادق عليه السلام في رجل سلب غنما من رجل فقتل المسلمون ثم علم بالاد
بعد فقال يعزكم رقة مؤمنة وذلك قول الله عز وجل فان كان من قوم عدوكم فترى رقة مؤمنة
وراء العياشي وليس عليه دية وان كان من قوم اعدى بكم ويقتل بكم فترى رقة مؤمنة
ال اهل بدر وعزم رقة مؤمنة بدمه فانه كفارة القتل كما في الجميع من الصادق عليه السلام
فترى عزم رقة مؤمنة لان ملكها ولا ما يتوصل به اليها فصيام شهرين متتابعين فترى رقة مؤمنة
فكان الله عليه السلام عليه حكمة فما امر بها من الكافي عن الصادق عليه السلام انما
على رجل حياض شهرين متتابعين فترى رقة مؤمنة في شهر الاول فانه عليه ان يعيد
لصيام وان صام الشهر الاول وصام من الشهر الثاني فترى رقة مؤمنة فانه عليه ان يعيد
فانه ان يعيد اقول يعزكم رقة مؤمنة عليه ومن يقتل مؤمنا خطا فانه عليه ان يعيد
وعليه الله عليه واله وعاقلة عدا باعطيها في الكافي في العياشي من الصادق عليه السلام
انك سئل من المؤمن يقتل المؤمن مقتولا له رقة فقال ان كان مقتولا لانه لا يوفيه له وان كان مقتولا
الغني او البسبب بين من اخذ الدية فان نفي ان يعاد منه وان ربي كماله انما الى وليه
المقتول فترى صدقهم بقتل ساحهم فان عفا عنه فلم يقتلوا اعطاهم الدية واعتق خدمته
وصام شهرين متتابعين والمسلم سئل عن رقة مؤمنة المذمومة وجعل عند وعليه السلام لاي المؤمن
في فدية من رقة مؤمنة يجب فعلم له وان لا يوفى من قتل المؤمن مقتولا لانه لا يوفيه له وان كان مقتولا
العياشي منه عليه السلام من قتل مؤمنا خطا فانه عليه ان يعيد فانه لا يوفيه له وان كان مقتولا
كاتبه وعاقلة عدا باعطيها قتل والرجل يقع بين الرجل وبينه شيء فيضربه بالحق فقتله
فانه ان مقتله الذي قتله الله عز وجل في المعاني في قوله عز وجل فترى رقة مؤمنة فانه عليه السلام
يا ايها الذين امنوا اذا ضل منكم في سبيل الله فارجعوا اليه فترى رقة مؤمنة فانه عليه السلام
والمؤمن قري يفتكروا اي قوتقوا وتاوتوا حتى يهلوا من يفتكروا القتل والمعان مقتولان
يعني لانهما في القتل من الظاهر لانهما ظنا منكم بانهم لاحقيقة لئلا لا تفتكروا
لن القى اليكم السلام لمن حياكم بغيثة السلم او قري السلم بغير العفوة الاسلام و
الانفاذ ووزر السلام بغيثة الاسلام ايضا والعياشي في ذرة الاسلام الى الصادق عليه
السلام لست مؤمنا واقعدت ذللا خوفا من القتل فتعز عزم رقة مؤمنة الدية فطلبون
ماله الذي هو حطام سبع الزوال وهو الذي يعزكم على الجملة وعزم رقة مؤمنة فانه
كبره فتعزكم من قتال اماله لما له كذا انكم من قتال ولما في الاسلام وتغزوهم بكم
الفتارة فغضبت بها ما وكم وما وكم من ان تعلم موافاة تلوكم المستكم فتعزكم الله
عليكم بالاستمثار بالايان والاستقامة في الدين واضلوا بالانجيل في الاسلام كما فعل الله

في سورة براءة

لا مثل

بأن الله لهذا الفعل باعظام الشجر والحسنة والحركة وكذا له قايض ومع الحيوان ومتوهمه
واعتد الله سماء الدنيا رتبة الاشياء في الشجر المستقيمة بالاشكال وفي كلمة الله المستقيمة بالاشكال
القدس الذي شأنه اخرج القوس من القوة الهيولى الى الفعل المستند يار الله وايضا له
الارواح الجواند والله عالم الملكات الاخرى وهو الماردت بالملاكة والارسل واما الانسان
بما هو اذن نقايض ربه ملنا ملوت فلم يره العقليته نقايضها هو الله سبحانه وتعالى
الانفس وايضا في شريك وداعه الى وعظه قدس من الذين كرهوا من الله الذين امنوا منهم
والذين اذنا لعدو دعاته قوا اي الملاكة متوهمهم ثم كثر في اي شجر كثر من اويديكم قوا
كثرت شعيعين في الارض متوهمنا احد الفرق بالله في ارضنا وبلادنا بكثرة عدد وقوتهم
ومتوهمنا من ايمان بالله واتقوا رسلا اعتد دائما ونحوها بعد شعيعهم غير من العجوة او
عن اخطاها الذين واعدا كلمة قوا اي الملاكة كثر في بالهم فكثرت ارضنا والله
متوهمهم وايضا متوهمنا من اعدكم وذكروا وتقدروا من منعكم من ايمان القطر احكاما
المهاجرة من الملة سنة والحكمة وذلك ما ووجهت وشارت معا في قلائد غناس
من سكة اسلموا ولو بهاجر واعين كانت العجوة واجبة وفي الجمع من ابا عقيد السلام
هم يقرن في الفاكهة من الخمر والحامث من ذنوب الاسود وتيسر من الوديين الغيرة واوي
الخاص من تحب من الخمر ويحزن من خلت والفرق بين ارضنا وبلادنا من طلبة الله
ولم يرقوا معه فقال الملاكة لهم عند ملوت ثم كثر قوا وكثرت شعيعين في الارض من اعدكم
مع من الحق فقال الله اعدكم ارض الله واسعد متوهمهم وايضا من الذين والله وكما بالله واسعد
تقطن فيه اقول لثلاثا من الخمر في لاقه الاول تغير الفان في ايمان الاله متوهمهم وفي نفع البلاد
قال عليه السلام لا يقع اسم الاستضعاف على من بلغته الحق نسعتنا اذنه وتوهمهم
وفي كلبته من الصادق عليه السلام اعدكم ما تقول في المتضعفين فقال شيئا بالفرق
احكيون متوهمنا من المتضعفين والله لقد شئتمكم هذا ليعاينكم في العلم والحق في
فقدت به الساتر في طريق المدينة وعن الكلام عليه السلام اعدكم من استضعاف كلب الضعيف
من لم يترع له حجة ولم يعرف الاختلاف واغرضنا الاختلاف نيلين بضعيف اول وفي الاخرى له
على وجوب العجوة من موضع لا يلقى التوبل فيه من افة دية وعن النبي صلى الله عليه واله من قر
به ينس ارض الله وكان شجر من الارض شجر الجنة وكان يوق ابراهيم ومحمد صلى الله
عليه واله المتضعفين من التوبل والاشاء والولدان اشياء منقطع لعدم دخولهم في العجوة
وغيره والاشاء لا يتوهمون حيلة ولا اعتد وتبيلة الكتاب من الباقي عليه السلام هو الذي
لا يطيع حيلة في دفع بها عنك الله ولا يعدي سبيل الى ايجاد لا يطيع ان يؤمن ولا يكره
العتيان ومن كان من التجار والتمار طاش في عقول العتبان وهذا من اسئل من هم قالوا
والله لم يزلوا يكرهوا العجوة
والله لم يزلوا يكرهوا العجوة

[illegible]

وَاللَّهُ كَاشِفُ الْعَذَابِ عَنْ رَجُلٍ
وَأَمَّا كَاشِفُ الْعَذَابِ عَنْ رَجُلٍ

بِشَرِّكُمْ بِلَا عِلْمٍ وَكَانَ يَقُولُ الشَّرُّ يَجْعَلُهُ أَحِبَّابَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ يَقُولُ مَا لَكُمْ وَالْحُجُجُ أَمْ يَرَى
 أَنَّ طَعْمَهُ مِنْ أَيْدِي قُرَيْشٍ وَمِنْ أَيْدِي أَسَدِ قَادَةَ بْنِ الْغَنَاءِ وَخَيْبًا مَا هُنْدَ بَعْلَهُنَ الْيَهُودُ
 فَخَذُوا لَهُمْ مِنْ مَزَلِ الْيَهُودِ فَقَالَ دَعْهَا يَا أَبَوِطَعَةَ فَإِنَّ أَبَوِطَعَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلِّ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكُلِّمُوا أَيْدِي النَّاسِ صَاحِبَهُمْ وَقَالُوا لَمْ تَفْعَلْ مَعَكَ وَأَقْتَصِرْ بِرَبِّكَ يَا مَوْلا
 فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَمِلَ وَأَنْ يَعَابِ الْيَهُودِي فَرَزَتْ وَفِي مَعْنَى
 مَا رَوَيْتُ الْعَامَّةُ مِنْ زِيَارَاتٍ وَلَا تَجَادُلُ مِنَ الَّذِينَ يَتِمَاتُونَ الْفِتْنَةَ وَجَعَلَ الْمَعِيَّةَ
 خِيَانَةً لَهَا كَمَا جَعَلَتْ ظُلْمًا عَلَيْهَا لَا تَنْفَعُهَا ^{وَالْحَقُّ} يَوْمَ عَلَيْهَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ ثَابِتًا
 فِي عَيْنَانِهِ مَعْرُوفًا عَلَيْهَا إِنَّمَا تَهْتَكُ بِهِ يَحْتَفُونَ مِنَ النَّاسِ فَيَتَرَدَّدُ مِنْهُمْ حِيَالًا وَتُحْزَنُ
 وَلَا يَحْتَفُونَ مِنَ اللَّهِ لَا يَحْتَفُونَ مِنْهُ وَهُوَ أَحَقُّ بِأَنْ يَحْتَفِيَ وَتُحْزَنُ وَمَعْنَاهُ لَمْ يَرَدْ
 يَتَوَكَّلُ بِدَرْوَنَ وَبِذَرْوَنَ بِاللَّيْلِ مَا لَا يَنْتَرِي مِنَ الْقَوْلِ مِنْ رِيَاءِ الْفَتَى جَعَلِي
 لِمَعْلُوفِ الْقَوْلِ مَقَامَ دُكَّانِ اللَّهِ يَتَأَخَّرُونَ لِحُجْمِ الْإِنْبُوتِ مِنْهُ لِمَا تَعْلَمُونَ لَا
 جَادَ لَهُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَقِّ وَالْإِيمَانِ فَأَيُّ اللَّهِ عَالِمُ اللَّهِ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَلَا
 تَحْأَيُّهُمْ عَنْهُمْ مِنْ عِلَابِ اللَّهِ وَمَنْ يَقُولُ وَهُوَ يَأْتِي بِهِمْ وَأَيُّكُمْ تَعْلَمُ تَعْلَمُ الْفَتَى
 وَلَا يَتَقَدَّمُ فِي تَعْلَمُهَا بَلَوُ بِهِ تَعْلَمُهَا كَقَوْلِهِمْ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا تَعْلَمُهَا عَلَيْهِ نَبِيٌّ
 الْإِيمَانُ مِنْ أَعْلَى السَّعْيِ لِمَا تَعْلَمُهَا مِنْ مَعْنَى الْمَغْفَرَةِ ثُمَّ تَأْتِي الْأَيَّةُ وَتَنْصَبُ إِثْمًا فَتَأْتِي
 عَلَى نَفْسٍ لَا يَتَعَدَّى وَآلَهُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمًا فِي جَوَانِهِ وَتَنْصَبُ حَكِيمَةً زُنَاحِلَ
 فَيُرِيدُ أَوَّلَ مَا تَقْدُمُ ثُمَّ يَرُدُّ بِمَا كَانُوا يَشْرِكُوا لِيُؤَدِّي الْيَهُودِي تَقْدَامَهُ إِنَّمَا
 وَأَيُّكُمْ يَنْبَغِي لِيَبْيُنِيَ الْبَرِّي وَتَنْبَغِي النُّقْلُ طَائِلَةً وَلَا تَمْلِكُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَتَكُونُ بِالْعَالَمِ
 عَلَيْهِ بَادِي تَعْلَمُ مَا تَعْلَمُ مِنْهُمْ أَنْ يَقُولُوا عَنْ الْفَتَى وَأَقْبَحُ مِنْهُمْ بِمَا وَدَّ الْإِنْبُوتُ فَتَعْلَمُ
 أَنْ تَعْلَمُ تَأْتِي فِي مَا يَحْتَفُونَ الْأَنْفَعَةَ لَا تَعْلَمُ وَآلَهُ عَلَيْهِمْ وَمَعْنَاهُ تَعْلَمُ مِنْ رِيَاءِ رِيَاءِ اللَّهِ عَلَيْهِ
 حَكْمَ وَأَمْرٍ وَمِنْ ذَلِكَ وَمَعْنَاهُ يَلِكُ كَانَ عِتْمَادُكُمْ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِمْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِمْ
 وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَاحْكُمْ بِهِ وَكَفَى حُكْمًا مَا لَمْ يَكُنْ تَعْلَمُ مِنْ حُكْمَاتِ الْأُمُورِ وَكَانَ اللَّهُ
 عَلَيْكَ عَزِيمًا وَلَا فَضْلَ أَغْلَمُ مِنَ الْبُتُوَّةِ الْعَوْنُ مِنَ الْبَارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَنْسَا
 وَرَعَا بَشَرًا لَا رَيْبَ أَنْ تَوَاضَعُوا بِنَا لِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَكْفُلُ فَمَا جَانِبًا
 دَعَاكُمْ فَإِنَّ صَاحِبَ بَرِيٍّ نَزَلَ أَنْزَلَ اللَّهُ يَحْتَفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَحْتَفُونَ مِنْ اللَّهِ وَهُوَ
 مَعَهُمْ أَوْ قَوْلَهُ وَكَيْلًا وَتَعْلَمُ رَحْمَةً فَيُرْفَعُ تَعْلَمُ بِأَيُّهَا تَعْلَمُ اللَّهُ وَبِتِ مِنَ الذَّنْبِ فَقَالَ
 وَآلِيهِ الْخَلْفُ بِهِ مَا شَرَّهَا الْأَبِيدَ فَرَزَتْ وَمَعْنَاهُ خَلْفُهَا وَأَتَمَّ مِنْ بَرِّهَا
 فَقَدْ أَحْتَمَلَ بِهَا نَاوًا وَنَاجِبًا ثَمَّ تَأْتِي أَكْثَرُ وَالْمَعْنَى حَكْمَةً وَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْفَتْرَةِ الذَّنْبِ
 اعْدُوا بِأَيُّ أَوْ تَعْلَمُ لِعِزِّهِ وَلَوْ فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَدَعَا الْأَيَّةَ وَنَزَلَ فِي بَرِّهِ وَهُوَ

از کتاب الحاشیه فی شرح معانی الآثار

صالح بن صالح بن عبد الله

روز یکشنبه ۱۳۰۲

الى نفقهم بل

شیخ الفخر

مسند

مکتبہ

[illegible]

انبيهم

[illegible]

يؤمنون الإيمان يتبعه من غيري من ذم ان الجوام ثم شربوا من ذم ان القائلين انهم لم يذم
ومن ذم ان الكذابين وليردوا لما لم يكن الله يفرح بهم ولا يهدى بهم سبيل الحق
لان بطايرهم عنت عما حق ثلاثتهم الجوع اليه في المناقبين بان الله لما اصاب
الذين يحزنون الكافرين اوليا من ذم المؤمنين يصدقون عندهم لغيره بين ذم
بما لا هم فانه لغيره لله يجعل لا يفرح الا من اعزته وقد كذب العزة ولا ياله كاذب لغيره
وبقي العزة ولرسوله والمؤمنين القوي ترك في نبيته حقا فلو لم يكن لا يفرح الا من اعزته
عليكم في الكتاب القرآن ان انا اوصيتم ان الله يفرح بواحد منكم في الدنيا او بعد موته حتى
في الدنيا يخرج القوي بان الله هم الا انه عليهم السلام وفي الكتاب في الصادق عليه السلام والصادق
عن الربا عليه السلام في تفسره انما سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول في دفعه في الهلكة نعم من عدو
ولا تقامه وعرض الصادق عليه السلام وفرحنا الله في الشيعان ان نرى عبا لاسماء الامام
وان يرضعنا لايمن له ما مضى الله عنه الاسماء الا ما مضى الله فقال في ذلك وقد روي
عليكم الاية قال استحي موضع الشياطين فقال ما شئتكم الشيطان فلا تقعدوا وبعده الله كوي
مع القوم انظروا ان الله جاء من المناقبين والكافرين القاصدين والقعود معهم في جهنم جحيم
والذين يمشون بكم يمشون بكم فيكم انكم من الله والذين هم من الله والذين هم من الله
فما سبوا انما غشيت وان كان لكافرين عجب من ابي ذر الكلابي من الله وعلمكم ان الله
عليكم وتؤمن من فلككم فبعثنا عليكم والاشجار اذا لا يسل وكان القاصرون ان يواحد
لجاء على الاصل وتؤمن من المؤمنين بان الله انما يفرح بغيره ما سمعت به في يومه وتواضعنا غشيت
وكنا فيكم لا كفى غيرنا منكم فغلبت قومه وشركا انما اكرم قبل افاضته نظر المسلمين
ونظره في انفسنا غشيت فبعثت قومه فغلبت قومه وشركا انما اكرم قبل افاضته نظر المسلمين
واقرب وان يجعل الله لكافرين من المؤمنين ولا يفرح الا من اعزته الله الله الله الله
عن الربا عليه السلام في الشيعان سواد الكوفة قوما جردوا في الله في الله الله الله الله الله
تعال كذا نبي الله الله الذي لا يلهو هو الله الله الا هو قبل وفيهم قوم يزعمون ان المسلمين فيهم
لصبيقتل وان الله في خطيئة من اسعد القائي والله في الله انما استاذنكم من عيسى من رب الله
ويحشون هذه الاية وان جعل الله لكافرين من المؤمنين سبلا فقال كذا يلهو هو الله الله
اعنه وكفر وانك بينهم اليه صا الله عليه واله في اخذها بارة الحسين عليه السلام في الله
لقد قتل الحسين وقتل من كان خيرا من الحسين ابراهيم المؤمنين والحسين بن عليهم السلام وقامت
الاقتول ولله والله مقتول باغتيال من بغا ليه واعز ذلك بعد محمود الى من رسول
الله الله عليه واله اخبره به جبريل عليه السلام من رب العالمين عز وجل ما قوله عز وجل

اوله ان ذكرهم وكتب على كل واحد
هذا الذكر بقدره من الماء وادخله
الصلاة وقرأ الذكر فيها فقام
لاذكر من فيها هذا الذكر
في شهر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

ووجه الاعسلة وكن
للديين الى المؤمنين
ليروا ان يدع
مشا

مرفی

[illegible]

فَبِجَانِبِكُمْ صَاحِبُكُمْ
كَبِيرًا كُنْتُمْ تُخَفُّونَ
مِنْ الْكِتَابِ ۝

[illegible]

لا بد ان يكون من جنسهم

ولبنان و كان كليل

والمجد الأعلى محمد بن علي إذا جاءه أحد من
كعبات في رزق يدايته خلقه كعبات الأتية
الغيب وفيه من أجل ذلك عظم

[illegible][illegible]

وهنا

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor discoloration and small dark spots, possibly due to age or handling. There is a faint, irregular stain near the bottom center of the page. The page is otherwise empty of any text or markings.

او انهم واجب شكره في كل ما يتبين
بعد كل الحج منه بغير

أَنَّ بَلَدَكَ يُقْبَلُ بِمَشَارِكِ الْعَرَبِ فِي الْأَوَّلَةِ لِمَا عَلَيْهِ ذَاكَ مِنْ بَعْدِ وَثَائِهِ وَالْأَخْلَاقُ فِيهِمْ مِنْهُمْ مَوْلَاهُ
عَزَّ وَجَّهَ وَجِبْنَ مِنْ عِلِّ الشَّكْلِ وَتَرَبُّهُ لَنَا وَالْبِرَّعَ الْإِثْنَ وَالْخُلَاصَةَ بِنَا بِأَقْرَبِ مِنْ بَعْدِ لَوْلَا
صُلُوتُهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَرَّ عَشْرَةَ عَالِمِيهَا وَخَارِجِيهَا وَبَاطِنِيهَا وَسَاقِيهَا وَمَدَامَتِهَا وَالْجَوْلِ إِلَيْهِ
وَبَاطِنِيهَا وَخَرِجَتِهَا وَكُلُّ شَيْءٍ أَتَى عَلَى الشَّكْلِ أَنْ يَتَوَكَّفَ بِكُلِّ مَدْلُوقَةٍ وَالْبَصَافَةِ الْوَالِيَةِ بِصَدْرِكَ كَلِمَةٍ
مِنَ الصَّلَوةِ تَعْلَمُ أَنَّهَا مَقْبُولَةٌ قَبْلَ أَنْ تَقْرَأَ خُرَاجَ الْبَابِ بِأَعَادَةِ الْكُشُوفِ مِنْهَا بِسُؤَالِ أَتَمَّهَا عَلَى نَهْجِ الْمُتَقَرِّ
مِنَ الْبَابِ وَذَكَرَ الْإِسْمَاءَ بِالْأَنَامِلِ لِلَّهِ تَعَالَى لَهَا شَيْءٌ مِنْ نِعْمَةٍ وَلَهَا كَقَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ شَيْءَ عِلْمِهِ وَالْعِلْمُ
الْحَكِيمُ بِالْأَقْبَرِ وَمَعْنَى الصَّلَوةِ مِنْ تَعْلِيمِ الْإِخْلَاقِ لِلتَّحْقِيقِ وَالْإِسْعَابَةِ الْعَادَةِ مِنْهَا كَالصَّغِيرَةِ الْيَتِيمِ مِنْ شَيْءٍ
الْقِيَامَةِ وَالْفَارِقِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكُفْرِ مَا دَامَ تَحْتَ الْأَشْهَادِ بِعَيْتَةِ الْإِسْهَامِ بِشَيْءٍ مَا عَقَّبَ مِنْ فَوَاقِصِ
الْمَنَافَاتِ الْأَمْشَاقِ وَالْمَقْدُورِ عَلَى الْغَايَةِ وَالْأَشْهَادِ مَا شَطَعَتْ دَاطِعَاتُهَا وَطُغِيَ الْوُجُوهُ الْوُجُوهُ الْوُجُوهُ
عَمَّا شَاءَ مِنْهَا وَمِنْ فَطَرَتِهَا أَنْ تَكُونَ عَلَى أَعْلَى سَوَائِلِ الْبَالِغِ الْمُبِينِ فِي كَلَامِهِ الْعَادَةِ مِنْ شَيْءٍ الْإِسْعَابَةِ
فَاتَمَّ مِنْ هَلِكِهِ كَانَ ذَلِكَ وَمَعْلُومٌ مِنْ مَعْلُومٍ قِيَامُ شَيْءٍ الْأَفْزَلُ لَنَا بِجِسْمَانِ وَجُودِهَا مَعْلُومٌ
رَسُولُ اللَّهِ صَدَقَ مَا عَنِيدَهُ مِنَ الْإِسْحَاقِ أَنْ رَدَّ بِنَا الْأَمْرَ حَقًّا مَا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ الْإِسْحَاقِ
مُسْتَقِيمٍ لِيَعْرِفَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلُوا الصَّامِتَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ الْكَلَامُ أَوْ شَرَّ بَاةِ الْعَمَلِ بِهَا وَالْعَمَلُ بِهَا
فِي شَرِّهَا عَلَى بَلَدِ الْعِلْمِ الْمُسْلِمِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
وَأَحْوَالُ اللَّهِ تَعَالَى الْحَسَنِ الْقِيَامُ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
يَسُودُ اللَّهُ تَعَالَى مَا فِيهِ دِفْعَةٌ مِنْهُ وَتَدَمُّنُهُ مِمَّا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ الْإِسْحَاقِ وَتَدَمُّنُهُ مِمَّا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ
أَحْوَالُ اللَّهِ تَعَالَى مَا فِيهِ دِفْعَةٌ مِنْهُ وَتَدَمُّنُهُ مِمَّا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ الْإِسْحَاقِ وَتَدَمُّنُهُ مِمَّا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ
مَنْ تَعْرِفُهَا بِهَا لَعْنَةُ اللَّهِ تَعَالَى مَا فِيهِ دِفْعَةٌ مِنْهُ وَتَدَمُّنُهُ مِمَّا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ الْإِسْحَاقِ وَتَدَمُّنُهُ مِمَّا عَنِيدُهُ مِنْ شَيْءٍ
أَيُّ شَيْءٍ عَلَى الْإِيمَانِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
أَسْتَبْرَأْتُ وَأَسْتَبْرَأْتُ الْعَالَمِ وَمُسَوِّدِي وَتَعْرِفُهَا بِهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
مَنْ كَلَّمَكَ الْإِيمَانُ وَالْأَعْمَالُ الصَّالِحَةُ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
إِسْخَافَ لَنَا تِلْكَ الْأَعْمَالُ وَالْمُسْلِمَاتِ فِي الْكَلَامِ مِنَ الصَّادِقَةِ الْإِيمَانِ حَالُ الْأَوَدِيَةِ وَطَبَقَاتِ
مَنْ لَنَا مِنْ شَيْءٍ الْإِسْحَاقِ فِي الْكَلَامِ مِنَ الصَّادِقَةِ فِيهَا أَمَّا التَّحْقِيقُ فَانْهَى نَهْجَهُ وَسَهْلَ التَّحْقِيقِ
الْبَيْتِ نَفْسَانَهُ وَمَعْنَى الْإِسْحَاقِ وَنَهْجَهُ الْإِسْحَاقِ الْوَحِيدِ طَبَقَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
الْبَيْتِ وَنَهْجَهُ طَبَقَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
الْوَاحِدَةِ شَيْءٍ الْإِسْحَاقِ وَنَهْجَهُ طَبَقَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
فِي صَحَابَةِ التَّحْقِيقِ عَنْهُمُ الْوَحِيدُ لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
فِي تَقْوَى غَاثِ الْإِيمَانِ وَتَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَهِيَ تَرَكُ التَّحْقِيقَ نَفْسَانَهُ مِنَ الْعَمَلِ وَهِيَ تَعْرِفُهَا لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ
مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَالْعَقَابِ وَهِيَ تَعْرِفُهَا لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ لَهَا لَعْنَةُ الْمُسْلِمَاتِ

مردمان و غیره

وَدَعَا إِلَى تَوَكُّلٍ عَلَى اللَّهِ

100

3

5

一、

28

1-1

۱۰۰

1

[illegible][illegible]

تنبؤهم على حيوة فلما مكثت محمداً صلى الله عليه وآله وسلم اليك وهديتك أنت ومكر و
استغفرون وكادوا ليكنون وقد مؤمنوا حقين واخر وامن قدت ولم يسمعوهم ولم يطعموا
امرهم ففعلوا في سبيلك حتى قتلون فقال لعلي هل خلقت من بعدك في امية محمد صلى الله عليه وآله
حجة وخلقته في الارض من مواعيد الى سبيل فيقول نعم يا رب قد خلقت وجرهم الحسن اثمهم
واين بنت بنتك فيك في العسر بين علي فيا لعل الله علي بن ابي طالب قال ثم طعن بامام اهل
وباهل عائلته فحجوا فيهم ثم يقول الله عز وجل ويجوز حجهم قال اي النبي صلى الله عليه وسلم ثم يقول الله
هذا يوم نضع الصادقين صدقهم العياشي عن ابي الحسن عليه السلام قال كان القرآن ينزل
مجتبى واما يخذ من امر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم باخيه وكان من اخوة نزل عليه
سورة المائدة فحيث ما قبلها ولم يزل ينهاي ثم انزلت عليه وهو على فلق شفاء ومثل عليه الا
حق وحقته وندل حتى رايته من غير انكار في الارض والي على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
حتى وضع الناس يده على ذابرة شجيرة بين وجهي ثم رفع ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله
فقرأ علينا سورة المائدة فعلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وعلمنا ومن الصادق عليه السلام
نزلت المائدة كلها ونزلت معها سبعون الف الف ملك وفي ثواب الاحمال من الجاهل عليه السلام من خوا
سورة المائدة في كل يوم خميس لم يلبسوا بياضه وقلموا بدمه وشركه ابا عبد الله في الاول من صحتنا يا ابا
محمد الله منه وحسن توفيقه ويقلوه الزم الثاني تفسير سورة الانعام انشاء الله تعالى وتقدس
والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

دوستان و یاران من
که در این راه با من
بودند و هستند
و خواهند بود
در هر حال
من را یاری کنید

الامر انك ان اصلا لم يروى في اشواخ الشيخ الفقيه

[illegible]

ان جنى صفائي الارض فقد اتقده فيه الجوف الارض اوسكافا السماء واصعد افسده
 الى السماء فقامت ايامي فاقطع لهم ابرس الارض ابرس الارض السماء ومن ثم بما جعل يحذفوا في
 فاعمل بها الجوارح الارض الاول والعصاة على ايمان قومه واتروا قدر عوارض النمل
 واكتفى لافقه نظره فلكان بلغ فضلك وكنساء الله فجمع على الحق بما تاتاهم من ابرس جعلوا
 لها ايكين لافقه من جبر الحكة والاك ان الله جعل على ابرس الارض على ابرس الارض فاعمل
 على ان لا تظلموا من الجوف الى الجوف على ابرس الارض ان من الله ان لا تظلموا من جنى ابرس
 الى جنى الغصن لانه الفضل فضل الله تكون من الجاهل ابرس على ابرس الارض والمزلة ان الله
 الذين جمعوا عنهم وقد بعث الله الذين جنى على ابرس الارض على ابرس الارض والذين جمعوا
 الله فجمعهم ثم ابرس جمعوا فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 نزل عليه الذين من ربه مما افقوه وركوا الاعتداء بمن اتوا على ايات الله والعباد مع ابرس
 كما نزل على موسى من ايات عادتهم قال الله تعالى ان يقول ابرس جمعوا لاهل ابرس
 اكتموا لاهل ابرس اتقوا الله وان حكمه لا يقتضى ذلك القول لا يقتضى ان ابرس ابرس
 ولهم من ابرس الحكماء ومن ابرس الحكماء فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 العجايب وروى عن ابرس وطاع الشمس من ربه واما من ابرس في الارض تدعى على ابرس ابرس
 كبطير فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 مقدرة ابرس فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 وقال ابو جنى فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 ليكون كاللؤلؤ على ابرس فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 يقدى بنفسه وقد ورد على ابرس في الكتاب ابرس في الكتاب ابرس في الكتاب ابرس في الكتاب
 خلاف قول الجاهل في الفتياء في ابرس الفتياء عن ابرس الفتياء عن ابرس الفتياء عن ابرس الفتياء
 لما سئل عن ابرس فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 عن تليقها وادبر الله فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 عن ابرس الفتياء فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 اكل الذين وان ابرس الفتياء فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 من الحكماء فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 الصادق وان ابرس فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 اصنافا فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 على ابرس الفتياء فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم
 انا الفتياء فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم فجمعهم

ان الله عز وجل انزل اليه من قوله اذ اية
 انزلهم الى ارضهم كنس من اية
 ان الله عز وجل انزلهم الى ارضهم

[illegible]

فيلانته منصرفه فان

[illegible]

تغیبه اراکیم اکثر بختکم او بر خفته

من كتاب التمهيد في تاريخ العرب
والتاريخ الحديث
صنفه العلامة الفاضلة
الشيخ الفاضل
الحاج

وقد اتممت هذه المخطوطة
في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨٥

المهمه من اهل البيت (عليه السلام) في تاريخ
عنه عليه السلام في تاريخ
المنهج

والقى

الزاد فخره بنما

وقد تخيف الخلق لا بد
ما عهدهم بآياتها وقضاها
بشر

او كخلفه البر والفرق في اجورهم
اي طينين حزين او اعلو و ابرار الله

[illegible]

45

مع شکر و غرض از شکر کردن
تجربیات از آثار شکر است
عبادت است و شکر از نعمت
شکر است و شکر از نعمت

يتكلم في قانون كل من عساه أن لا تكون تعودون إلى الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 طاعة الله والفرار عن كل من يحبكم بل كل من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 من تحت أنتم كل من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 فيا ربنا إلام ومن عظم خطيئنا من يتخطاها ويشتكيها في ما نحن فيها الذي في عيبكم بل قد علمتكم
 أنظر كيف تفر إلى الأمان بالعدو والوعد لتعلمه فيقولون البغاة من البغاة التي تهاذي بها من قد علمتكم
 الختان والخيلاء من يتخاطبكم ويخافونكم من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 عصبكم بل قد علمتكم من يتخاطبكم ويخافونكم من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 والجميع من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 شيا طيرت عصبكم بعضا من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 الذين مات ربنا فينا لظفر على عينهم من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 سلكتم أن لا يجمعهم خلاصا لافاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني
 قالوا دافع السيف فاعطاني فرفع عنها اليوم العفة وكذلك به فقاتلوا في الزمان والطلب
 وهو الحق الصدق والواقع لا يمان بربنا فالتفت عليكم بكل ما يحفظكم من كل ما يحفظكم
 استقرروا ووقع وسوء عيون عند وقوعه وإذ رأيت الذين يحضرون في الأمان بالعدو والوعد
 الأمانة بالله والحق فيما عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 إلا بقا الأمان والفرار والكيد في الزمان قالوا الذين يحضرون في الأمان بالعدو والوعد
 وأما يترك تلك الشيطان التي تهاذي بها الذين بعد أن تذكره مع القوم الظالمين في جميع
 موضع الظاهر موضع عيبهم على كل قتل موضع القتل لا تهاذي بها مع القوم الظالمين في جميع
 العلان أن يجمعهم خلاصا لافاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني
 والقوم الذين من كان يؤمن بالله واليوم الآخر لا يجمعهم خلاصا لافاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني
 وكما به ولذا رأيت الذين يحضرون في الأمان بالعدو والوعد لتعلمه فيقولون البغاة من البغاة التي تهاذي بها من قد علمتكم
 من حياهم من شئنا أن يجمعهم خلاصا لافاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني
 ذكرى ويومع من الخوف ويومع من العاصم ويظهر كرهنا ما نعلمه فيقولون يجمعون ذلك حياء و
 كرهنا لهم والجميع من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم
 فضع أن كل ما سئل الشكوق فذكرناهم فلا يزالوا في السجود لهم ولا يظفون إلى السجود لهم فافعلوا الله
 تعالى وما على الذين يتقون من حياهم من شئنا أن يجمعهم خلاصا لافاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني
 دهم لولا أن يجمعهم خلاصا لافاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني وسلتم أن لا يجمعهم شفا فاعطاني
 عادتهم زمانا على ما بلغوا من عيبهم ولا يتألموا في ما فعلوا ولا يعرفون الخبيثات التي فعلوها من
 العقوب ويحسبونها إلى القرآن أن يجل من عابا أن يكونوا كطاعة الله ولا تعون إلى العبد بل قد علمتكم

و بعد از این جمله ترغیب به ایستادن
از راه دیگر گفتند و ترک التماس

[illegible][illegible][illegible]

يقولون
لكنهم لا يسمعون

مید

[illegible]

فقال وما الخبر فنفعت له فقال
وعند علماءنا انك انما سئل عن خبر

لا يجهل بالعصية فلا تغتروا
بإمهاله فإنه لا يجهل إذا
حاض وقتها

نعم قال

[illegible][illegible]

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا من قبلهم مسلمين

ما احنا
 فقال
 او خي
 خي
 لعن
 عن

[illegible]

انما لا تقوى حتى ترى قديرا ثم رأت آل النعمان و
 رأت نضى خضعا وبقية خضعا وانبوب كبريت
 بجزيرة الحب و الدجال طلع خمس من جزيرتها
 يتبع وادعج وندج وندج وندج وندج وندج وندج

[illegible]

وفايغوب عرب و تاسوچ شالبا و تونغ و تونغ
 انص و تونغ و تونغ و تونغ و تونغ و تونغ
 و تونغ و تونغ و تونغ و تونغ و تونغ
 و تونغ و تونغ و تونغ و تونغ و تونغ

254

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

اى الذين يقرءون او يسمعون او يفتشون
 يستدل به فافهموا ان الله لا يهدي
 القوم الضالين
 واما ما في قوله تعالى
 واما ما في قوله تعالى
 واما ما في قوله تعالى
 واما ما في قوله تعالى

ماہنامہ

[illegible]

انقرضت

اغضت مذمة اوصان وقدم يساحرون ساعة ولا يتصلدون الغايض عن الصادقة فلهذا
سئلوا الموت فلهذا القدر والنعى فنعى السلام بقدر السنين ثم غدا في غرة ايام ثم غدا فلهذا
فاذاجا اهلهم لا يساحرون ساعة ولا يتصلدون من ياتونهم انما ياتونهم فلهذا
لعلنا نرى من جسد يصون عليه اليافى من افق الكذبة من راسه على قاصد
يكلهم ولا يفرحون والذين كذبوا بالباطل واسكنهم ارضها والذين اصحاب النار هم فيها خالدون
فيما اصلا الفلك والفرج والارواح والذلة والنعى فلهذا لم يمتدحوا بعد من افكر انشغلوا
بمن افنى على انكذب بالباطل به طوعا لم يقبله اهل قاصد والذين انشغلوا بغيره
الكتاب فما كلفهم من اذلة وقاصد والنعى فلهذا لم يمتدحوا بعد من افكر انشغلوا
جاءتهم رسالتنا يومهم فخرناهم بغيرهم وسبقهم اياما لم ياتوا بها فخرناهم بغيرهم
بعدها والمداير لاهلها ملك الموت واعلموا قالوا اي الزمان ما كنت توعين من يومنا هذا
اي اهلها التوبة وما قالوا صلوا على اعدائنا وعبادتنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا ياتونهم
بهم كبروا على من كانوا عليها قالوا قال الله تعالى من انشغلوا في امرهم فلهذا لم يمتدحوا
مضاجين لهم ومن انشغلوا في امرهم فلهذا لم يمتدحوا مضاجين لهم ومن انشغلوا في امرهم
اعرفوا النار ولعلنا انهم انشغلوا في امرهم فلهذا لم يمتدحوا مضاجين لهم ومن انشغلوا في امرهم
التي في الكاف من الغاية فصدت بغيرهم وبغيرهم ولم ينشغلوا بغيرهم من بعضنا
رجعا والنجى فقتلوا من عظيم ما تولى ولم ياتوا به ولا اختيار ولا فيه لعدة ولا من عباد
فانكروا من غيرة وهم لا يتبع والسفلة ولا لهم منزلة اولاهم ولا لهم اسمع الله لاسمع وهم القادة
والذين في الجحيم عن الصادق عليه السلام يعني اهل الجحيم رتبوا لاهل النار اولاهم ولا لهم اسمع الله لاسمع وهم القادة
عليه فاهم عدا باصغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا قالوا انهم صغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا
وتسليمهم والما اتباع فخرهم وقيلهم ولكن لا تقولوا ما كلفهم فوات اولهم لا فخرهم
مخاطبين لهم فاهم عدا باصغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا قالوا انهم صغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا
ضعف في وقت ان اضل اهل علمنا واباينا ولا يساحرون في الضلال واصغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا
قد وقعوا الكذاب ما كلفهم كسب يوم القيامة من اهل الذين كذبوا بالباطل واسكنهم ارضها والذين اصحاب النار هم فيها خالدون
عنها اهل الانعام فلما اطلع كسب الحوائج السائمة لا دعيتهم وتغافلهم ولزوا والذين اصحاب النار هم فيها خالدون
ولصعود اهلهم اذا ما تولى الجحيم من اهل علمنا ولا يساحرون في الضلال واصغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا
الاسماء فتخلفوا ابوابها والما كلفهم كسب يوم القيامة من اهل الذين كذبوا بالباطل واسكنهم ارضها والذين اصحاب النار هم فيها خالدون
اهبطوا به المستحيين وهو اذ يجزى موت يقال له موت ولا يكون له جنة حتى لا يجل
في سعة الخيرات لا يخلو من الجنة حتى يكون ما لا يكون ابدان ولوج الجحيم الذي لا يلا
وكن باسع وفتنة به ولكن الذي اهل علمنا ولا يساحرون في الضلال واصغاف النار لا صاعقة لا هم ضلوا واصلوا

بجود المولى بن عبد الله بن محمد بن علي بن الحسين بن ابي طالب
عليه السلام في سنة الف وستمائة من الهجرة النبوية
التي هي سنة الف وستمائة من الهجرة النبوية

علم الله الذي مطلع عليه انبياء ورسله يحيى رسولنا الله عليهم وقد قدسنا الله عن كل ما سواه
كل ما علمه من الكبر وما فضل الملك ورجع الى اذكركم ان قولنا ان الله عز وجل لا يستولم به سائر
النسبة والعرش بجميع الانشاء وفضل استواء ما يتعدى على كل استيلاء ولا شراف ونحوها لما وافقه
القرن فيصير لهوا استوفى منه الى كل شيء ما كونه مستويا على الكل فقولنا لا تدفعه في كل ما يجاهه
خلاف ما يقبله لجموعه وبغضها وفيها ايضا اشارة الى عبيدة القيومية والقدرة المعنوية التي يتجلى على
السواء على الوجه الذي لا ينافي في احدية وقد سر جلالة والى افاضته فيتمتع العاطلة على الخير على نسبة
واحد والحالة عليه كما انجوز ومنه ترك كل شيء على سواه وفيه لفظ في قوله وفي الرتبة الشريفة
تحقيق الحق الاستواء في الفرق البعد وبظنهم في ذلك في تحقيق المعنى ما يتصوره في قوله
الفرق بين الانبياء والاولياء مع المتعبدين كالشياطين والكفار والفرق بين البعد وبين الشياطين
سبغا به من جهة تفاوت ارجعهم في ذاتها بغضوا البكر النصارى كظلمة حبشاً بعبقها
كالتمار اليه لا يفسد منها شيء والشمس والقمر والنجوم مستقيمة لا يتغير الا في الامكنة كالحلوان
الاجسام والامكان والارواح تشارك ذلك رتبة العالمين تعالوا لوجاهة في الالهية
بالفرديية في الربوبية ادعوا انكم تضرعون خفية فان اخفاء اقرب الى اخلاصكم لا
بحيث تختبئ من الحيا وزين ما رواد به للدعاء وغيره في الجمع على التوصل الى العمل في الدعاة
كان في عزاء فاشرف على ارجع الناس لملئون ويكرهون ويرفعون اصواتهم فقالوا ايها
الناس ارجعوا على انفسكم اما انكم لا تدعون اسم ولا غائباً انكم تدعون سبيغاً فربما انه معكم
وفي مصباح الشريعة على ان الله عز وجل لا استعجاب بالله في جميع اموركم متفرقا في الدعاة
البلل وانما قال الله تعالى ادعوا اليكم تضرعون خفية الله لا يجهل المختارين ولا يعتد به رغبة
رفنا هذا وعلاصتهم ولا تقيد بها في الارض والكفر بالمعاوية بعد ارجع اجدادنا بعثنا نبياً
وسرع الاحكام والكمنا في العارضي على العالم ان الارض كانت فاسدة فاصلاها الله
عز وجل بانيته فقال ولا تقصدوا في الارض بعد ارجع اصحابها برسول الله واوليائه
فافسدوا هاجرين تركوا امر المؤمنين وادعوا حوفاً وجمعوا عذ وجوزوا في القصد وجمعوا
وعدم استحقاقكم في طمأنينة فقتلوا واحسانا لفرط رحمة ان رحمتكم وكفى
من المؤمنين ترجع العلم وتقيته على ما يتوسل به الى الخباية في التقبيح وفي صفة الحق
عليه السلام باعاً من غايها صا اوشيطا ناطقة ان ان الله الذي خلق السما والارض
الايه في المؤمنين عن من باصر تضرعوا هذه الاية ان ركب الله الذي خلق
الطوائف والارض تضرع الى الله الذي لا يرضى ان يرضى الله من الملائكة وتبايعت
عن الشياطين فالارض التي لا داوية يخرج ذات فيها بل هذه الاية تضرع الشياطين
فاذا هو اخذ بحبل فقا لصاحبه فظنوه واسحقوا الصلوات فاما الاية فقال الشياطين لصاحبه

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

من وجبت زيدا هذا الفل فلان
والدم الفل فله ذلك
المستحق والدم الفل فله
هذا الفل فله ذلك
هذا الفل فله ذلك

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

قوله انهم انما اكلوا اوراق الارز
 وانه لم ياكلوا من ثمره لان الارز
 لا يؤكل من ثمره بل من اوراقه
 وانه لم ياكلوا من ثمره لان الارز
 لا يؤكل من ثمره بل من اوراقه

[illegible]

استادان محترم و کرامت کرده و فرمان بردن کنز

خانی

1036

[illegible]

في الكهف اربع وعشرون
ورقها ابيض ودرهه صندل وعود

من الصادق ٢٢

1875

[illegible][illegible]

المسيح الحليم العباسي عن الصادق عليه السلام وما كانوا اولياءه يعني اولياء البيت يعني الحسن
ان اولياءه الا المتقون حينئذ قالوا اول من من المشركين والذين لا يتقون ان اولادهم لهم عليه
القدر من ان قال رسول الله صلى الله عليه وآله انه يشر ان الله يعطي ان اقتل جميع ملوك الدنيا
واول الملوك اليك فليحيي في الدنيا ادعوك اليه فتملكوا بها العرب تدرككم بالبحر فيكونوا ملكا في يده
فقال ابو جهم الصنعاني ان كان هذا الذي يقول محمد هو الحق من عندك فامطعنا سحارة من الملح
او اشتنا بعد ان لم يمسك رسول الله ثم قال كنت ومعه اثم كرمي رمان غزلا اذ دخلوا ونظروا في الجفرا
وفوقها ذوات طلال استوى عظامهم الكرك قال فقلت لهم من اين انتم بهذا ان يكون في يديهم
ولا يكون في يدي نحن ثم قال غفر الله لكم فانزل الله في ذلك وما كان الله ليعذبهم وانتم فيهم
وما كان الله ليعذبهم وهم يستغفرون حين قال غفر الله لكم فانزل الله في ذلك وما كان الله ليعذبهم وانتم فيهم
ان اولياءه الا المتقون انت واصحابك يا محمد عديهم الله يوم يوفى كل امرئ ما عمل في الدنيا قال
بينما رسول الله جالس في القلعة لم يزلوا يمشون فقال رسول الله ان فيك شيئا من عيني من يرمي بول
يؤذيك فليكن طويلا فتمسكوا بالثغور في عصبهم من يرمي بولك فليكن طويلا لا يرمي بولك الناس
الاخذوا القرامين تحت قدميك فليكن طويلا فتمسكوا بالثغور في عصبهم من يرمي بولك فليكن طويلا لا يرمي بولك الناس
فهم فقالوا انما ارضون بغير الاربع عشرة من يرمي فانزل الله على نبيه ثم فقالوا وانا نريد ان يرمي
شلا اذ اقولك منه بصدق وقالوا له المتأخرين انما لا يجدوا لهم قوم خصصو
ان هو لا يصدنا نحن عليه وجعلنا مثله لغيرنا بل لو انتم لم تملكونكم بغير من هو شاة ملائكة في
الارض يملكون قال فغضب الحارث بن عروة فها هو فقال لا لئلا ان كان هذا هو الحق عندك ان يوفى
يتلوه من قدامه فليكن طويلا فتمسكوا بالثغور في عصبهم من يرمي بولك فليكن طويلا لا يرمي بولك الناس
ونزلت من ارضهم وكان الله ليعذبهم وانتم فيهم وما كان الله ليعذبهم وهم يستغفرون ثم قال له
يا ابن عروبة ما نيت واما جئت فليكن طويلا فتمسكوا بالثغور في عصبهم من يرمي بولك فليكن طويلا لا يرمي بولك الناس
فقال رسول الله من جئتم من النفاق انطلقوا اليك ففقدنا اما استغفروا قالوا الله وجعلوا
استغفروا وباركوا في عبيد الله في جميع القضاة ومن انا الله عليه السلام لما مضى به ولما مضى به
من العدي يوم قال من كنت مولاه فقد اذ لك في الجلاء فقدم على النبي صلى الله عليه وآله وسلم فقالوا
فقال ليرتد من اهل البيت ان لا يلا الله ما يلا رسول الله وارتدوا على الجلاء والنج والعتيق والمصلح
والزكوة فقلنا انما لم نرجع حتى نصيب هذا القلام فقلنا من كنت مولاه فقد اذ لك في الجلاء فقدم على النبي صلى الله عليه وآله وسلم فقالوا
اول من عند الله فقالوا والله الذي لا اله الا هو ان الله عز وجل لا يرضى عنكم ولا يقبل منكم ولا يقبل منكم
كان هذا الحديث من عندنا فامطعنا سحارة من الملح ادعوك اليه فتملكوا بها العرب تدرككم بالبحر فيكونوا ملكا في يده
شاهدنا بوابه واقع في الكوفة على السلام قال رسول الله ان لكم في محمد جينا وفي عمار جينا قال

عن محمد بن عبد الله

فينا

فينا رسول الله اتاحيتك فقلنا فانا في وفائك فقال اما فجو فانا الله عز وجل يقول وما كان
الله ليعذبهم وانتم فيهم واما فجو فتمسكوا بالثغور في عصبهم من يرمي بولك فليكن طويلا لا يرمي بولك الناس
ما يقرب منه وقالوا فاحق فانا انما الكوفة من علي بن الحسين فاما كان من حجة محمد الله عليه وآله
من سيرة استغفرت الله لكم وفي فتح البصرة كان في ارض امانا من عذرا ليدسحوا بوضع احداهما
قدوكم الاخر فستكونا به اما الامان الذي في فوسل الله وانا الامان الذي في فاستغفرت
نالا الامة والعياش من الصادق كان رسول الله ولا استغفرت حصن حصين لكم من الهلاك
ففي كبري الحسين وفي الاستغفار قالوا ومنه فامرهم بالانابة والذنوب وان شتمه فاذا طام تلاه الامة
وما كان صلواتهم عند البيت الا كذا وكذا وصديقه يصفها بغير وضوء المكاء والصدقة جميع الصلوات
في الحان والعيان عن الصادق قال لا تقصروا في الصدقة والتقصير في الصدقة سميت مكة مكة لان
الاناس يكون فيها وكان يقال لمن قصدها فقد مكاه ذلك قوله الله وما كان صلواتهم عند البيت
الا مكاء وصدقة فاما المكاء والتقصير في الصدقة صفت العبد في كل ما في بطون بالبيت عزاء فيكون بين
اصحابهم بصدقة فيها ويصفون وكانوا يفعلون ذلك اذ قال رسول الله فقلوا في بطون عليه
وفي الحج وروى عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم ان اذ اقبل في المسجد لرام قال رجلان من بني عبد الله عن عتبة
فيصفران رجلان من بنيان فيصفران ابيهما فيصفران علي صلواته فقلنا الله جيبا به في
العذاب في القلعة لا يرمي الله بعد ان انزلنا في الحق بما كنتم تكفرون فبكم لم انتم هذه الا
مطوية على قوله واذكر ان الذين كفروا ما اتفقنا عنهم ان ذل انهم لا ينفقون انهم لم يصدقوا
عن سبيل الله فيصدقوا ما تمكون عليكم حيرة ثم يغلبون الفتن نزلت في من لم يوافقهم
واخبرهم بغيره رسول الله وطلب اليه فاحملوا اموالهم وحملوا وانفقوا وخرجوا المحاربة رسول الله
فقلوا وضاروا والشاركان ما اتفقوا حصر عليهم اولا وقد مضت فتمت بعض المتفقين في
قصرهم والذين كفروا اليهم يحذرون فياخذون ليرى الله الحديث من الحديث الكاذب من المؤمنين
والصالحين من الفاسد يجعل الحديث بعضه على بعض فيركبونه جميعا فيجده ويقوم بعضه على بعض
فيجعل في جميعهم كله اولئك هم الخلفاء الكاملون في العلم والبر والحق وقد نزلت
ان الله جبار مزج طينة المؤمنين حين ارا دخل طينة الكاذب فيا بعل المؤمنين من سيرة فاما ما هو اجل
والا الرابع وكذا في طينة الكاذبين ارا دخل طينة طينة المؤمنين فابطل الكاذب من سيرة فاما ما هو
من اجل ذلك الخراج او لعلنا هذا معناه قال فاذا كان يوم القدر ينزع الله من العبد من الناس جميع
ويزاير طينته وجوهه وعصمه مع جميع اهل الساحة ويرى ان الله عز وجل لا يرضى عنكم ولا يقبل منكم ولا يقبل منكم
ويقر الى الله لا طم اظلمت هذه الامم الخبيثة من طينك وقرانك وانت اول من اوجعنا الامم
المتكلم من طين المؤمنين وذا هو اول به لاظم اليوم ان الله عز وجل لا يرضى عنكم ولا يقبل منكم ولا يقبل منكم
الذين من القرآن الذين يقولون الخبيثات والخبيثات والخبيثات والخبيثات والخبيثات والخبيثات

عن محمد بن عبد الله

قوله فان الله قد سمع ما اجتمعت
اي قبت مع غمركم وكمونكم
ان ذكر الله تعالى علم والمواد
تفصيلكم منكم في الحفنة

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible][illegible]

والموت
قد تمواذان في الحجة النبوية
ورفعه كرفع براءه على الوجوه

[illegible]

انقضی

وكانت لهم فريضة على كل
القبيلة وبلغ الكثرة التي لا تحصى

فقد وجدنا في نسخة أخرى من هذا الكتاب

اولیٰ مرتبہ اور اولیٰ مرتبہ

وہا خاص بانو پرست

لا يبرهنون في يومين الا بالادلة والبرهان المستوفى من الحجة والبرهان في القدر الذي لا يقبل
عن الكفر ونقض البطلان والافعال الصلوة والادراك فاعلموا انكم في هذه الحجة والبرهان في القدر الذي لا يقبل
ما عليكم ونقض البطلان والافعال الصلوة والادراك فاعلموا انكم في هذه الحجة والبرهان في القدر الذي لا يقبل
من قديمهم وقطعوا في دينكم وراين قضايلوا اية الكفر فاستلوه وضع الظاهر موضع المضمر
انصارا لما صاروا بذلك ذوي رياسة والقدرة والكفر لاجزاء بالقتل اية انما انتم على
الحقيقة والادلة المعنوية والبرهان في القدر الذي لا يقبل من الحجة والبرهان في القدر الذي لا يقبل
الايمان لكم انتم يثبتون معكم قضايلوا اي ليس عنكم في القناعة ان يتوكلوا على الايدى الا ايدى
بهم كاهن طريقه والذين وهذا من غير كرمه سبيل وفضل القدر في هذه الاية في اصحاب الجبل وقال الابرار
يوم الجبل ما فالت هذه القصة الثالثة الا يا ايها من كتاب الله يقول الله ان كنتم ايمانكم الاية وفي
قرب لسانه والذين في القصة والذين في القصة والذين في القصة والذين في القصة والذين في القصة
من انتم الايمان عباد الله يوم البرهان لما صنف الجبل قالوا لاجزاء بالقتل اية انما انتم على
انتم قضايلوا اي ليس عنكم في القناعة ان يتوكلوا على الايدى الا ايدى
الا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
عظمتا من غيركم قالوا لاجزاء بالقتل اية انتم يثبتون معكم قضايلوا اي ليس عنكم في القناعة
اجزاء بالقتل اية انتم يثبتون معكم قضايلوا اي ليس عنكم في القناعة ان يتوكلوا على الايدى
قالوا لاجزاء بالقتل اية انتم يثبتون معكم قضايلوا اي ليس عنكم في القناعة ان يتوكلوا على الايدى
نزلت والذين في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
الايمان لم يلهيهم شي من غيركم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
يحيى من غيركم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
يا خراج الرسول حين قضايلوا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
في قوله واذ يكرهون الذين كفروا وهم يدك من وراءهم وعلينا النار الموقدة والذين في القصة
ان قضايلوا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
اعلاء ولا يتوكلوا من انتم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
على قوله يقول الله يا ايها الذين كفروا انتم يثبتون معكم قضايلوا اي ليس عنكم في القناعة
واذا لم يثبتوا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
هذه الموايد كلها ولا يبرهنون في يومين الا بالادلة والبرهان المستوفى من الحجة والبرهان
الذين في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
على من ادعوا انهم اهل العلم والادب في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
العباس روى الشافعي فاهوى اليه بالسيف فتنظمه بجرانج الشافعي في القصة وفي القصة وفي القصة

منه من صفة حق تعالىهم والحق
ما لهم بآياته وفيه انما
كثرة الايات والبرهان في القدر الذي لا يقبل
على القضايل في القصة وفي القصة وفي القصة
كلها من رسول هو هو

الذين في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة

ارتجت لها الارض فسمعت قائلا يقول قاتلوهم بوزم الله ابايدكم الامة فالتفت فاذا هو امر المؤمنين
عليه السلام ويتوكلوا بالله على من شاء استينوا واخرجوا من بين يديهم وعن كثره وقطعان ذلك
ايضا كالدلة على انكم لا تسكنون فيكم لا يفعل الا ما في الملكة احسنتم ان كثره انما مقطعة
وقالوا معنى التوجه يعني انكم لا تكون علماء انتم عليه وكما يكره الله الذين جاهدوا فيكم
ولا يتبين للخاصة منكم وهل جاهدوا في سبيل الله لوجه الله ولا يتبين لكم من ذوالله
ولا يتبين لكم من ذوالله ولا يتبين لكم من ذوالله ولا يتبين لكم من ذوالله ولا يتبين لكم من ذوالله
ويقتلون الجاهل اسرارهم ولما ادلت على انهم متوقع قتل اديهم في القصة وفي القصة وفي القصة
قام مقام الرتبة لانه قد فعل قتل اديهم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
والوجه في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
دون الله والوجه فلا يكونوا مؤمنين فان كل سبب من قرب الله والوجه وبذعة وشبهه مقتطع الا
ما ثبت القرآن وعن الجهاد في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
هذه الامة الذين يثبتون على الله في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
ما صرحه واستقام انتم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
التي وجد شاهد على انهم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
روى السليمان عن ابن مسعود انكم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
الوجه في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
انما في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
التي هي الحجة والسقاية والحجاة وفعلت القصة في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
التاوي في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
والتي في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
تتناول بناءها ورواها واستمر فيها وكسها وتنظيمها وتوثرها بالسرور وزانها
للمعبادة والذكر من العلم وصيانتها عن الدين له كذا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
في الارض المسجدة وان ذل في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
ان يكونوا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
كلها في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
ان لا يتنازلوا على رضاه الله ورضاه عنهم فان الحجة في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
فمن اولئك ان يكونوا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
والاستقام باعمالهم في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة
بالله واليوم والاخر وكذا في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة

الذين في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة

منه من صفة حق تعالىهم والحق
ما لهم بآياته وفيه انما
كثرة الايات والبرهان في القدر الذي لا يقبل
على القضايل في القصة وفي القصة وفي القصة

منه من صفة حق تعالىهم والحق
ما لهم بآياته وفيه انما
كثرة الايات والبرهان في القدر الذي لا يقبل
على القضايل في القصة وفي القصة وفي القصة

الذين في القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة وفي القصة

منه و آخر

ثم ينادي منبراً في القوم
فدا حقك فلم يلقهم
أبوهم
القدوس المكنون في القوم
أبوهم

52

5

کتابخانه المیزان
استاد بزرگوار

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or date, located at the bottom right of the page.

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

الحمد لله الذي جعلنا من عباده

[illegible]

[illegible][illegible]

من الامور التي لا بد من العلم بها في هذا العلم

ویداد علی در موشد و قیوم در قیوم و در بدین الموضع
بیشتر از همه و کجای حال که او را مستند را بود
مستور که از حق و غایت و در بدین الموضع
چند

[illegible][illegible]

فانت اعلم انما اعطيه من الذوق والذم والحمية ولا تستعمله فان ما علمته كان في كل وقت في قلبه في العاقل المخلوق
من الشايق على السلام كان بين قلبه قلوبا حيت دعوى كان بينه وبين الله عز وجل ان يكون من الله عز وجل
المخلوق والاول كان بينه وبين الله عز وجل قلوبا حيت دعوى كان بينه وبين الله عز وجل ان يكون من الله عز وجل
ولا تستعمله في شئ الا في شئ لا يكون طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
يكون في شئ لا يكون طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
المستعمل في شئ لا يكون طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
على ذلك فان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
انه باثرة في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
بذلك مما رأت حضا على القول في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
وقد اخبرنا رفقاء الكيفية انهم قالوا ان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
في ذلك من طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
الله الا في شئ لا يكون طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ولكن من المحدثين نزل على وهو ضاحك مستبشرا فقال له رسول الله ما انت بغير شئ لا يكون طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
حتى الساعة قال نعم يا محمد طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ففيها وفيه ثم قال لا ان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
يلتقط من الله عز وجل ويمنع من طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
استدعيت ان ذلك كان في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
من الجاهل في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
يولد اذيل الا في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
الجرح في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
عند رؤيته بالاسرار لا يمانع منه طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
واو اسما قالوا ان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ايات ذلك لا تفتح فشاها ما لم تكن من طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ان لا الا في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
تجيبك بذلك من طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
الله عز وجل في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال

وفي بعض النسخ
في بعض النسخ

من روي لا يرفع فكان ذلك اية وعلامة اخرى لغيره لانه عز وجل هو الله عز وجل
الفرق ولم يستغف بالله فانه عز وجل الاله عز وجل لا يرفع فكان ذلك اية وعلامة اخرى لغيره لانه عز وجل هو الله عز وجل
الفرق ولم يستغف بالله فانه عز وجل الاله عز وجل لا يرفع فكان ذلك اية وعلامة اخرى لغيره لانه عز وجل هو الله عز وجل
اليه ان يرفع فكان ذلك اية وعلامة اخرى لغيره لانه عز وجل هو الله عز وجل
فمن كان في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
عز وجل في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
على من كان في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
فمن كان في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
الجرح في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
فلت هذا وضوح في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
قال انت لا الا في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
من المحدثين في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
احدهما في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ليكون في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
جيفة ملقاة في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
لغا فلو ان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
رد هذا في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
وما تشعروا في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
سلي الله عليه واله في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
يوم القيامة في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
عنا ان ذلك في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
تكون من طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
والعاشق في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
عن الخاطيء في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
الخطا في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
الله في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
والجرح في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
قبل ان طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال
ليتهم في طرفة العبد في الاستعمال وعدم الوثوق في طرفة العبد في الاستعمال

الضعف المعين وانما الحكم العدل بقت حجة غيبية لا اعتدب الصغار وبنو الكبار من قريش وهم يا بني
عبد الله وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
حقيقة عليهم تصطف عليهم بجمال التبريد لانه من قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
الكليل على العالم بلدا لانه من قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
العدل لم عن قريش التبريد وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فصحت لاجل غيبية وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فوق ذلك لا اعتدب عليهم غلبت فانهم لا يؤمنون اذ اختلفوا الله يا بني قريش وعلوهم في بني قريش
بلادى ويلدون عبادى وعسى ان اتاكم الله يسوقهم على قريش وقريش وقريش وقريش وقريش وقريش
وانت لربيل وانا الزيتونكم وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
يؤمن قريش انك انما انت الله يا بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فانما غلبت قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
ما غلبت قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
لا اطلع من قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
يؤمن قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
اليه من قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
اعلم قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
وهو يا بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
كفرهم وجوبهم وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
لبيته وتكديهم اياه وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
لا علم لك ثم اقبل على قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
بعض قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فقال قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
الربيعين ويكفونهم العذاب من بعد ما انتقم من الله يا بني قريش وعلوهم في بني قريش
فقال قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فمن قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
الله قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
التاريخ يا بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
الا يبعاد قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش

العدا على الخوف من لوقا انما هو انتم الله على كل من يجيبون للمباهلة وقد عرفنا ان نبيهم مؤيد
عند ربنا الله ومبايعون من الجاهلين وكذلك في التبريد وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
الملك قال رسول الله لا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد ولا اشد
ما اوتي من شرف ومن غلبت قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
من عظمنا ما اوتي الله الا في قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
من لا يدينه فقلنا انما اوتي الله الا في قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
ولا يكون من الذين لا يدينه فقلنا انما اوتي الله الا في قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
وقد عينا احياء قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
يا اهل الله الذين حقت عليهم ثقتهم قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
ينقص فضلكم وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
جهدوا لئلا يؤمن قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فقلنا انما اوتي الله الا في قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فقلنا انما اوتي الله الا في قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
العدا ولم يؤمن قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
لله قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
اوتي قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
العدا غلبوا السحر وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
عن المارة قال قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
اقتلوا قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
من قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
باهدوا قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
اسم لا يؤمن قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
الله يا بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
غير قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
غير قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فقلنا قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فيهم اديهم قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
ولم يؤمن قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش
فانهم قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش وعلوهم في بني قريش

يا ربيل

للمنفعة

اي ذلك الذي قال يوسف اقم الكذبة على هذا الذي صدقت فيما شئت عنه وما ابرئ نفسي مع ذلك
من الخيانة فاختصت من قوته ونجته من كيد اعدائه فكان منها وهذا القصة المستفاد من كلام الخبير
قال في قول الله يا يوسف لا تدعي انك كاذب عليه لانك كذبت عليه من قبل ان يرفع عنك رجيمه فبذلك القصة المستفاد
بالصحة وقال الملك اني اوتيت به استخفافا ليحيط به هذا القصة المستفاد من كلام الخبير وقال يوسف
الزبد والامانة وسدلك بانه على قلوبنا عتقنا من الله ما انت قال انك اليوم كذبتا فكيف يكون ذلك كذبتا في
امرين موثقين على كل من قال الخبير على ان لا يرضى واني ارضى الله يوسف لم يقل الخبير على ان لا يرضى
ولا يرضى في حقيقته الحفظ اعلم ان يرضى فيها الخبير اعلم يوسف القصة المستفاد من كلام الخبير وقال
الخبير والمعاينة من الزبد اعلم ان الحفظ بما تحت يدي علمي بكل ان لا يرضى الله ولا يرضى الله في الحفظ
الله ويحفظ الحق ووضع الحق في الحفظ من الله يوسف لم يقل الخبير على ان لا يرضى
لولا من ساعدت وكذا هو ذلك سنة والمعاينة من الزبد اعلم يوسف ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
قوله يوسف اعلم ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير اعلم يوسف القصة المستفاد من كلام الخبير وقال
لما صارت لاشيا يوسف من يرضى عليه السلام جعل الحكم في موت وارضى وكان يوسف لم يقل الخبير
ولما صارت لاشيا يوسف من يرضى عليه السلام جعل الحكم في موت وارضى وكان يوسف لم يقل الخبير
الركيل من يرضى عليه السلام جعل الحكم في موت وارضى وكان يوسف لم يقل الخبير
دون ما كان لا يرضى عليه السلام جعل الحكم في موت وارضى وكان يوسف لم يقل الخبير
لكل ان لا يرضى عليه السلام جعل الحكم في موت وارضى وكان يوسف لم يقل الخبير
تجربا الى واحد واحد والمعاينة من الزبد اعلم يوسف ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
الجميع من الزبد اعلم يوسف على جميع الطعام في التسعة السنين فكيف يكون الخبير ان لا يرضى الله
التسعة واجل التسعة الحجة اقبل يوسف على جميع الطعام في التسعة السنين فكيف يكون الخبير
وما حوله وما لا يرضى عليه السلام جعل الحكم في موت وارضى وكان يوسف لم يقل الخبير
حطوا لوجه الزبد يوسف في التسعة السنين فكيف يكون الخبير ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
ولا شائبة الاضمار في ملكية يوسف في التسعة السنين فكيف يكون الخبير ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
الاضمار في ملكية يوسف في التسعة السنين فكيف يكون الخبير ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
سائر في ملكية يوسف في التسعة السنين فكيف يكون الخبير ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
في ملكية يوسف في التسعة السنين فكيف يكون الخبير ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
امراهم وعبيدهم وامرهم قال الملك ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
وعلموا بغير انهم قال يوسف الملك ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
فانهم اصلهم لا يرضى ولم يرضى الله يوسف لم يقل الخبير
قال يوسف ان لا يرضى الله يوسف لم يقل الخبير

احدا في صدق ما قيل ورواه صاحب اقبنا في سبعين من اهل بيتي
خفي وخبر بالبيت اي في ذلك اهل البيت اجمع الا انهم لم يكونوا
مكان وفلان قال في قصته سبعين ابا يوسف في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
نصبت خاتمة من القصة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
لمن او كان له من القصة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
قوتهم في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
ان في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
الفرادة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
قوله يوسف في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
شعير من حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
اي حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
قال الخبير في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
قدم سائر القصة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
للادب في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
كذلك كان في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
اربع اركان في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
ذات اربعة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
عليه من حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
القبيل في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
تدقيق من حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
امراة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
يجب في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
لخصم من حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
حصة من حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
وفي حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
لنفوس في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
ملائة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة
انقطاع في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة في حصة من قوته في السيرة

كان فاعلا. ذات يوم بكهنة فناء الكعبة اذا اجتمع جماعة من رؤساء قريش منهم الوليد بن المغيرة الخزاعي وابو
النجدي بن هشام وابو جهم بن هشام والمعاوية بن ابي لهب والتهيم بن ابي لهب وابو امية الخزاعي وكان معهم جميع
من يدينهم رؤس القوم في نفوس اصحابهم يقر عليهم كتاب الله ويؤذونهم عن قدامهم ويضيقونهم فقالوا لوليد بن
بعضهم لبعض قد استعمل محمد وعظمت خطبه فاعلموا ان لا يتقدموه ويكسبه ويؤذيه ولا يجتمعوا عليه لئلا يظلموا
ما جاء به لئلا يكون خطبه على اصحابه ويصنعون من رءسهم ولعله ينجع عما هو فيه من غيبه وباطل ويترده ويطهرا منه
فان انتهى ولا يظلموا له شيئا فاقوا لا يوصلون الا الذي يوصلونهم ولا يوصلونهم الا الذي يوصلونهم ولا يوصلونهم الا الذي يوصلونهم
انا الى ذلك افاتوا صانفي لقرنا حبيبا واما لا يوصلونهم الا الذي يوصلونهم ولا يوصلونهم الا الذي يوصلونهم ولا يوصلونهم الا الذي يوصلونهم
يا محمد اقد اخفيت دعوتك عظيمة وقلت مقالا ما لا نزلت عنك رسول رب العالمين وما ينظره رب العالمين
وهذا الحق لجميع ان يكون مثلك رسول الله لا يشكنا باكل ما اكلنا يشكنا الا سواك كما تشكنا في هذا الملامن ارقم
وهذا ملك الفارس لا يشكنا الا سواك كما تشكنا في هذا الملامن ارقم
رب العالمين فوق هؤلاء كلهم فيهم عبيد ولكنت نبيا لكان معك ملك يصعدك وهذا هو بل لولاد الله
ان يبعث اليك انما يبعث اليك املاكا لا يشكنا ما انت يا محمد الا بصور. ولست يبق فقال رسول الله
هل يبق من كلامك شيء قال لي لولاد الله ان يبعث اليك املاكا لا يشكنا ما انت يا محمد الا بصور. ولست يبق فقال رسول الله
نزل القرآن الذي تترجم ان هذا نزل عليك وانك تترك برت ولا تعلم من القرآن عظيم انا الوليد بن المغيرة بكهنة
وانما عرفت من مسعود النقيض الطائف فقال رسول الله هل يبق من كلامك شيء فقال لي ان نؤمن لك شئ فغير
لنا من الامم نبوءا بكهنة هذه فانما انا من جبارة وعزة وجبار الكسح ارضها وتعددها وتجرى فيها العيون
فاننا الذي لا يشكنا نحن او نكون لا نجبت من غيرنا عارفا كل عملها وتطعننا فتغير لانها رخلها لغيرنا
او يقطع الشاء كما نعت عليك كفا فانك قلت لنا وان يروا كفا من الشاء سا قطا يقر لولاد الله
فعلما فعول ذلك ثم قال اوتاق بالله والملائكة قبيلا تاتي بهم وهم لنا عا بلون او يكون لك شئ
من نفع في عطيتنا من نفعنا به فلعلمنا انظر فانك قلنا لكان ان الانسان ليظفران واما شئتم قال
او ترقى من الشاء ارض بعدد الشاء ولين نؤمن لوقتك لصعودك لا حقرت لعلنا انا با نفوس من انظر
الحكم الوليد بن المغيرة من اوتاه الفخري ومن معديان امنوا لمحمد بن عبد الله بن الخطاب فانه رسول وصديق فوسف
فان من عدو ثم لا ارجع يا محمد انا فعلت هذا كرا ومن بك اولا ومن بك بل يقر فاعتنا الا الشاء وفقت
ابولها وادخلت لها لعلنا انما سكوت ابنا ونا وجرنا فقال رسول الله ايقن من كلامك يا عبد الله
قال والبر بن اوردت عليك كفاية ويبلغ ما يفتي فعل ليله لك وانصع عن نفسك ان كانت لك حجة
وانتنا بما سئلنا فقال رسول الله اللهم انتا الشاه لعل صوت العالم بكلمة وتعلم ما قالوا عبا وانما
اقد علمنا هذا الرسول اكل الطعام ويشيخه الاسواق الا في العقل قصور وان عليه يا محمد فلعلمنا ان
نحن اليك وصان برصه لئلا يترد عليه يا محمد وقالوا ان انا علمك ولاننا لئلا نملكنا
انا ما ذكرت من اكل الطعام كما تاكلون وانا ما ذكركم يا ق



